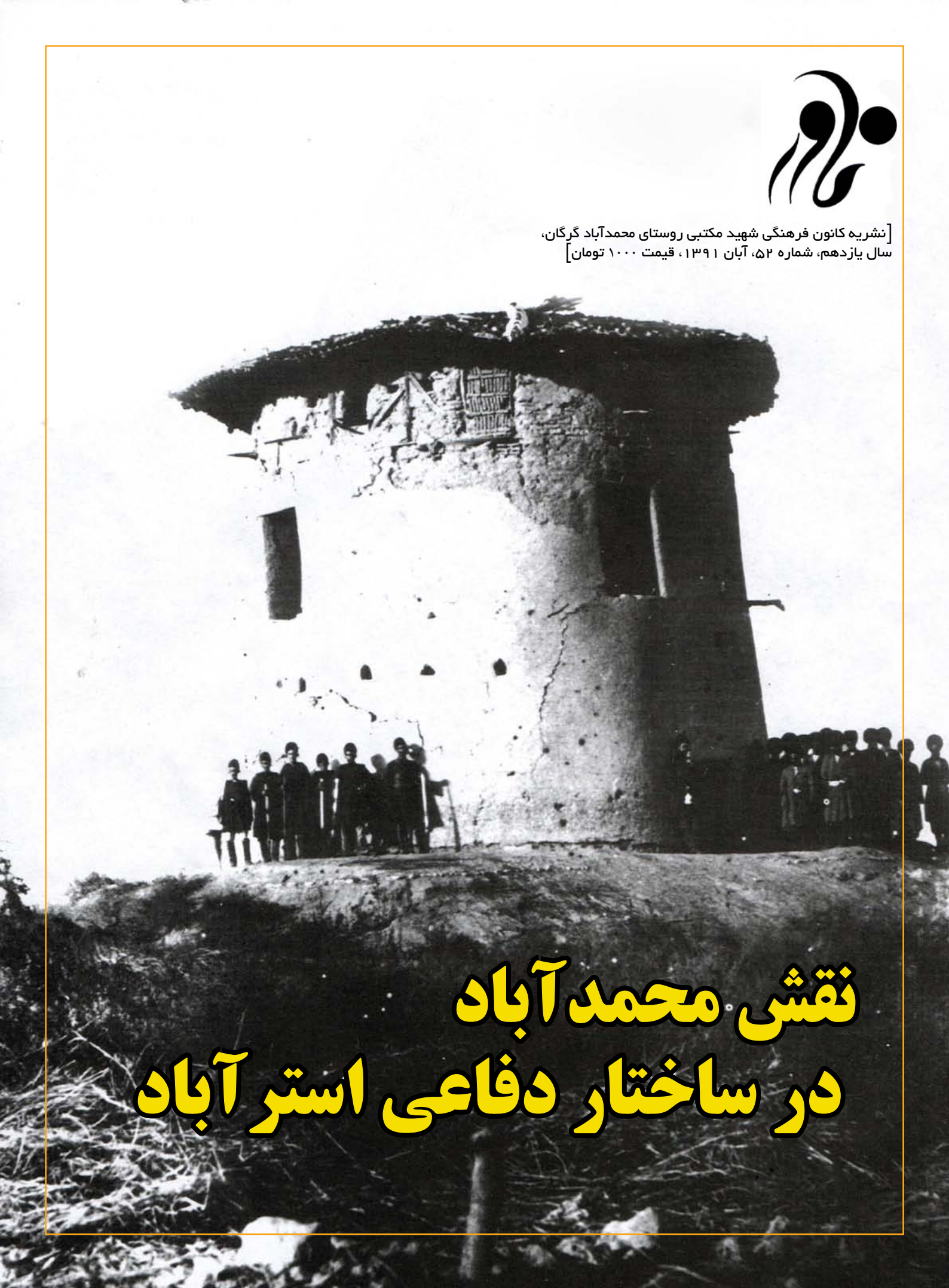




[نشریه کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان،
سال یازدهم، شماره ۵۲، آبان ۱۳۹۱، قیمت ۱۰۰۰ تومان]

نقش محمدآباد در ساختار دفاعی استرآباد



اسم‌الاه‌ام‌را‌بدم

دریای بزرگ دوردست
یا گودال کوچک آب
فرقی نمی کند
زلال که باشی
آسمان در تست.

✎ ناور

نشریه داخلی کانون فرهنگی شهید مکتبی
روستای محمدآباد گرگان

زیر نظر دبیرخانه کانونهای فرهنگی و هنری
مساجد استان گلستان

مدیر مسئول: رمضانعلی حمزه ای

سردبیر: علی خورشید کلایی

دبیر اجرایی: مجتبی مازندرانی

هیأت تحریریه: محمد عباسی، ابوالقاسم سالاری،

جواد عباسی، محمدرضا خورشید کلایی، محمد حمزه

محمدآبادی، مسعود حمزه ای، محسن حمزه ای، فاطمه

ناصری، فاطمه محمدزاده، فاطمه مازندرانی

با سپاس فراوان از:

قربانعلی عباسی، کریم محمدی، محمد مهدی قربانی و

حسین ناصری

هزینه این شماره از نشریه توسط

شورای اسلامی پرداخت شده است.

● سرمقاله

چرا مجله شدیم

گسترش اطلاعات در عصر حاضر منجر به پدید آمدن تکنولوژی های جدید و ایجاد رسانه های جدید گشته است. موبایل، اینترنت، رادیو، شبکه های ماهواره ای، نشریات الکترونیکی و ... همه و همه در پی نشر اطلاعات و اخبار و به دنبال مخاطب خود هستند. در این بین اما نشریات کاغذی یا همان روزنامه ها و مجلات همچنان جایگاه خود را بین مخاطبانشان حفظ کرده اند. روستای محمدآباد همانطور که میدانید جزء نخستین روستاهایی است که دارای نشریه بوده است و این روند در سالهای اخیر ادامه داشته است.

نشریه ناور در طی سالهای انتشار هر چند با فراز و نشیب هایی همراه بوده ولی به هر ترتیب منتشر گشته است.

ناور با قطع A۴ شروع کرد که در سالهای اولیه انتشار با توجه به این که ماهی یک بار منتشر می شد پوشش دهنده اخبار و اطلاعات و ... بود. اما در حال حاضر با اینکه تغییراتی در سایز و فرم نشریه پدید آمده اما به هیچ وجه جوابگوی ظرفیت های رسانه ای روستا نبوده و لازم بود تغییرات بیشتری در آن اعمال شود. که پس از مشورت با مسئولین نشریه و هیئت تحریریه قرار بر این شد که زین پس نشریه هر ۳ ماه یکبار و بصورت مجله و در قطع A۴ منتشر و به دست مخاطبان برسد.

✎ فهرست

۴	بازتاب
۵	خبر
۶	انس با کلام وحی
۷	ازدواج از منظر قرآن و سیره ائمه
۸	شهداء حقایق زنده تاریخ
۹	مشکلات شالیکاری در گفت و گو با شالیکاران
۱۰	هیچ کس از خطر اعتیاد در امان نیست
۱۱	گفتگو با یک بوکسور
۱۲	باشگاه ایثار؛ فرصت سازی یا فرصت سوزی
۱۳	ماجرای کندی پادشاه
۱۴	نقش محمدآباد در ساختار دفاعی استرآباد
۱۶	سوغات
۱۸	وقتی حرفهای دو نفره تان ته میکشید
۱۹	یک عکس یک گزارش
۱۹	مسابقه پیامکی
۲۰	ورمی کمپوست
۲۱	اعجاز خوراکی ها
۲۲	اوسانه عامیانه نمکو
۲۳	اصطلاحات محمدآبادی
۲۴	دوست خوب یا دوست بد
۲۵	کودکی نواغ دنیا
۲۵	مدرسه حیوانات
۲۶	جدول
۲۷	گزارش تصویری

ناور را در دنیای مجازی دنبال کنید

www.navar.mihanblog.com

اطلاعات و اخبار روستا را در وبلاک نشریه پیگیری کنید. همچنین میتوانید نسخه pdf نشریه را از این وبلاک دانلود نمایید.

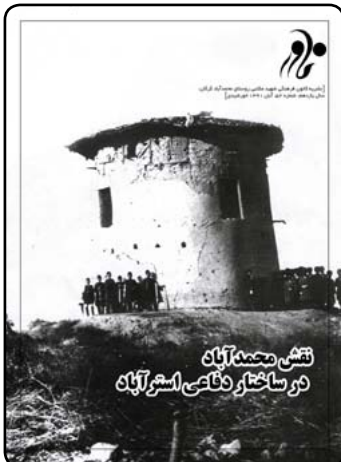


[نشریه کانون فرهنگی
شهید مکتبی روستای
محمدآباد گرگان، سال
یازدهم، شماره ۵۲ آبان
۱۳۹۱ خورشیدی]

شماره پیامک: « ۰۹۳۶ ۹۷۶ ۸۹۳۵ »

وبلاگ: « navar.mihanblog.com »

پست الکترونیک: « nashrie.navar@gmail.com »



بازتاب شماره قبلی نشریه باز هم طبق روال قبلی انتقاد از شورا و دهیاری بود. و همچنین نشریه متهم به طرفداری از شورا و دهیاری شده است. در جواب این عزیز و همچنین کسانی که همچین شائبه ای برایشان وجود دارد باید بگویم که نشریه ناور نه با کسی سر عناد دارد و نه مجیز گوی کسی است. فقط منعکس کننده اخبار و اطلاعات و مشکلات اهالی روستا است. همچنین پیامکهایی با مضامین عارفانه و عاشقانه داشتیم که در ادامه ببینید.

۰۷۵۶ ... ۰۹۱۱ : در مورد جوابیه شورا:
آیا شورا خبر دارد آسفالته خیابانهای اصلی، جوی ها، لاقل برای بیست سال پیش است و اما در مورد نمازخانه، اورژانس، سرویس های بهداشتی اگر شورا هزینه های آن را پرداخت کرده چرا به نهادهای دیگر اجازه میده بتر بزنند و ادعا کنن که اون ها هزینه کردند. نمونه اش هنوز تابلوی تامین بودجه اورژانس از طرف وزارت نفت نصب است (مربوط به زمانی است که شماره قبل منتشر شد- اوایل تابستان) در مورد شن ریزی معابر عضو شورا حتما خبر نداره بعد از هشت سال، پارسال کوچه هاشن ریزی شده تازه اون هم یکی در میان. خودم برای این موضوع سه سال با تمام اعضای شورا صحبت کردم ولی شن ریزی امسال خوب بود.

۳۷۷۳ ... ۰۹۳۶ : نمیونم چرا یک فکری نمیشه واسه رفت و آمد به گرگان. بابا یه خط واحدی ، یه کاری، راننده های روستا هم عشقی کار می کنند. تا کی باید سوار خودهای ناشناس بشیم؟؟؟

۵۹۳۲ ... ۰۹۲۵ : با سلام و خسته نباشید بابت زحمات دوستان در این نشریه. چرا توی این شماره (شماره ۵۱) به نفع شورا و دهیار موضع گرفتید؟ چرا؟اگه واقعا دفاعی از خودشون دارند با جلسه در مسجد با مردم بصورت حضوری مشکلشون رو حل و فصل نمیکنند؟ با تشکر ۲۵۶۳ ... ۰۹۳۹ : دمتان گرم که پیامکها رو چاپ می کنید. حیف روستا با این نشریه که شورا در برخی مسائل جوابگوی مردم نمی باشد و به گفته های خودشان پایبند نیستند و زیر حرف خودشان می زنند. آدم خوبه وقتیکه یه اشتباهی میکنه اشتباه خودشو قبول داشته باشه و نه اینکه بگه مشکل از ارباب رجوع می باشد.

۷۱۷۸ ... ۰۹۱۱ : با سلام از برادران شورا بپرسید این بافت قدیم روستا کی قابل تغییر است و علت اینکه زمین های ناکجا آباد داخل بافت می آیند ولی زمین کنار خیابان اصلی خبری نیست چیست؟

۱۳۲۸ ... ۰۹۱۱ : سلام، ضمن عرض خسته نباشید، ضلع شرقی جاده اصلی از مغازه یدلا. عباسی تا مغازه یوسف غفاری از آسفالته تا جوی آب واقعا خراب است. (بیچاره پرتغال فروش)

و باز هم سیستم صوتی

طبق روال همیشگی (که انگار نمی خواهد تمام شود) باز هم سیستم صوتی مشکل ساز شد. این بار در نماز عید فطر بود که با قطع و وصل شدن مکرر در حین نماز تمرکز نمازگزاران را به هم ریخت. جا دارد مسئولین امر با کمی برنامه ریزی و همت بیشتر از بروز چنین اتفاقاتی جلوگیری کنند و جهت هر چه باشکوه تر برگزار شدن این مراسمات هماهنگی بیشتری داشته باشند.

ضرورت تمیز نمودن جوی

حاشیه جاده اصلی

باران های سیل آسای شهریور ماه علاوه بر خسارت به منازل مسکونی و واحدهای تجاری و تاسیسات عمومی روستا باعث پر شدن جوی حاشیه جاده نیز گشته است که این امر باعث تشدید آب گرفتگی می شود. لازم است مسئولین روستا با توجه به شروع مدارس – که هر دوی آنها در حاشیه جاده قرار دارند – و نزدیکی به پائیز و زمستان اقدام به پاکسازی جوی نمایند

پیوند اولیا و مربیان

آموزش امری که عوامل زیادی در آن دخیل هستند. محیط اجتماعی، خانواده، رسانه، محیط آموزشی، دوستان و ... اما خانواده و محیط آموزشی که همان مدارس هستند نقش بسیار پررنگ تری نسبت به بقیه دارند. تربیت فرزندان و کودکان نیازمند دلسوزی و توجه هر دوی آنهاست. فرافکنی و محول کردن این وظیفه به یکدیگر جز آینده ای مبهم و گنگ برای فرزندانمان در پی ندارد.

۰۳۴۸ ... ۰۹۳۸ : با عرض سلام خدمت مسئولین محترم

پایگاه بسیج و دهیاری و تشکر از تلاشهایشان در زمینه ساخت ساختمان جدید پایگاه. مسئولین محترم اگر کار

۰۱۷۳ ... ۰۹۱۱ : میگن پنجره دل آدمهای مهربون رو به خدا باز میشه. از اون پنجره من رو دعا کن.

۵۹۹۵ ... ۰۹۳۹: به حق ساقی کوثر وجودت بی بلا باشد/ دو دست را علی گیرد نگهدارت خدا باشد.

۶۰۸۸ ... ۰۹۱۱ : پروردگارا در این روزگار وانفسا به خواب دوستانمان آرامش، به بیداریشان آسایش، به زندگی شان نشاط، به عشقشان ثبات، به عهدشان وفا، به عمرشان

از گوشه و کنار

حذف مداح غیر بومی از مراسمات

ختم روستا

به پیشنهاد یکی از اعضای هیأت امناء مسجد جامع روستا و تصویب هیأت امناء مداح‌های غیر بومی از مراسمات ختم درگذشتگان روستا حذف گردیدند.

پارچه های تسلیت

یکی از اقدامات خوبی که در سالهای اخیر در روستا صورت گرفته بود حذف پارچه های تسلیت درمراسم ختم بود که متأسفانه دیده شده بعضی از افراد و حتی یکی از نهادهای روستا دوباره اقدام به نصب پارچه تسلیت نموده است. باز هم تاکید میکنیم که حضور در مراسم و همدردی با صاحب عزا بهترین راه عرض تسلیت به داغدیدگان و بازماندگان است.

فضولات حیوانی کنار زمین فوتبال

دیده شده که بعضی از اهالی فضولات حیوانی دامهای خود را مرتع و در حاشیه پارک و زمین فوتبال می ریزند. که این کار علاوه بر زشت کردن چهره پارک و محیط باعث ایجاد بوی بد و نامطبوع و اخلاخل در تمرین ورزشکاران گشته است.

ستاد رزمندگان؛

ستادی که فقط تشکیل شد

سال ۸۹ ستادی تحت عنوان رزمندگان روستای محمدآباد شکل گرفت که شروع آن همراه بود با آغاز هفته دفاع مقدس و دعوت از رزمندگان و ایثارگران روستای محمدآباد و قرار بود این ستاد اطلاعات رزمندگان و ایثارگران روستا را گردآوری و همچنین پیگیر مشکلات آنان باشد. اما نمیدانیم به چه علتی هیچ اقدامی صورت نگرفت و کسی پیگیر کارهای این ستاد نشد.

ساختمان به اتمام رسیده لطفاً خیابان جلو پایگاه رو هم که

بر اثر فعالیت های عمرانی شدیداً آسیب دیده و آدم رو یاد خاکریز جنگ میندازه سر و سامان بدید. با تشکر

خبر

قصه پر غصه سیل



حدود یک سال است که کافیه چهار تا لکه ابر تو آسمان پیدا بشه و یا یکی دو تا رعد و برق بزنه تا تن محمدآبادی‌به لرزه بیفته و سیمای محمدآباد یادآور مناطق جنگی برای جبهه رفته های محمدآباد بشه. با کمترین باران بلوار داخل محمدآباد تبدیل به رودخانه خروشان ارونه می شه و کیسه های شن چیده شده جلوی خیابانها و درب خانه ها مثل سنگرهای حاشیه ارونه. یادش بخیر موقع جنگ که موقع بحران بود همه امکانات در حاشیه ارونه بسیج بود ولی امروزه کسی سراغ ارونه و محمدآباد را نمی گیره. خدا پیغمبری ما که خانه هایمان را کنار رودخانه یا در حریم و حاشیه آن نساخته ایم که سیل خانه هایمان را تهدید کند، این رودخانه است که به داخل خانه های ما سرازیر شده. حالا مقصر کیست؟ چرا سالهای قبل این اتفاق نمی افتاده؟ چرا کسی به داد مردم نمی رسد؟؟

وقتی که سیل اول در تیرماه آمد از بخشداری اعلام شد تا ساعت ۸/۵ صبح گزارش مصور و برآورد خسارت دقیق و مکتوب را دهیاری بیاورد. خوشحال شدیم که مسئولین چقدر برای خدمات رسانی و جبران خسارت مشتاقند و حاضر نیستند



« ادامه در صفحه ۶

دهیار خبر داد

احداث کمربندی در محمدآباد

بنا به گفته دهیار روستای محمدآباد احداث کمربندی در روستای محمدآباد آغاز شده است و تا کنون ۳۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است. این کمربندی از ابتدای ضلع غربی محمدآباد (قسمت شمالی بوستان محلی) شروع و تا کوچه شهید قربان سعادتى ادامه خواهد داشت. احداث کمربندی تا کنون مبلغ ۴/۲۰۰/۰۰۰ تومان هزینه در بر داشته است که از کمک های مردمی و محلی تامین گردیده است.



افتتاح هنرستان سرداران شهید در محمدآباد

با حضور استاندار ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی گرگان و مدیر کل آموزش و پرورش و اهالی روستای محمدآباد هنرستان فنی و حرفه ای سرداران شهید افتتاح شد .

به گزارش خبرنگار ناور، هنرستان فنی و حرفه ای ۸ کلاسه سرداران شهید شهرستان گرگان با حضور استاندار، نمایندگان مجلس شورای اسلامی شهر گرگان و مدیر کل آموزش و پرورش استان و اهالی و مسئولین روستای محمدآباد در جمع دانش آموزان و اولیاء افتتاح شد.

بر اساس این گزارش در این هنرستان رشته های کامپیوتر – نقشه کشی معماری – تاسیسات و مکانیک خودرو تدریس خواهد شد.

گفتنی است این هنرستان با زیر بنای ۴۳۰۳ متر مربع و با هزینه های استانی بالغ بر هفده میلیاردو پانصد میلیون ریال ساخته شده است



احداث عابر پیاده



بوسیله دهیاری محمدآباد عابر پیاده از کوچه آفتاب یکم تا آفتاب پنجم احداث شد.
رمضانپور -دهیار روستا- در گفت وگو با ناور گفت: تا کنون ۵۰ درصد کار اجرایی شده که مبلغ دومیلیون تومان هزینه در بر داشته است.

برگزاری جشن میلاد امام رضا(ع)



به مناسبت میلاد امام رضا (ع) جشنی در مسجد جامع روستای محمدآباد برگزار شد. در این جشن مداحان به مولودی خوانی پرداخته و در ادامه حجت الاسلام اسدی امام جماعت روستای محمدآباد درباره کرامات امام رضا (ع) به سخنرانی پرداختند و در خاتمه از حاضرین پذیرایی بعمل آمد

مقام اول مسابقات

ملی مهارت

زهرامازندرانی فرزند خلیل در رشته فناوری مددر مسابقات ملی مهارت که در تهران برگزار گردید مقام اول این مسابقات را کسب نمود. ایشان همچنین در سالهای ۸۹ و ۹۰ موفق به کسب دیپلم افتخار از این مسابقات شده بود.

قبولی در مدرسه نمونه



زهرافلی پور و زینب شعبانی توانستند با قبولی در آزمون دبیرستان نمونه گرگان در سال جدید به این مدرسه راه یابند. نشریه ناور برای آنها و دیگر دانش آموزان روستا آرزوی موفقیت دارد.

کسب مدال برنز

مسابقات قهرمانی کشور

حسن حمزه ای ورزشکار بوکس روستای محمدآباد توانست در مسابقات قهرمانی بوکس کشور در رده بزرگسالان به مقام سومی نائل آید. این مسابقات از ۲۱ الی ۲۵ مهرماه نود و یک در اهواز برگزار می شده که حمزه ای در وزن ۴۹ کیلو به میدان رفته بود.

حتی چند ساعت هم خسارات مردمی روی زمین بماند ولی الان چند ماه گذشته و چند سیل دیگر هم آمده و خسارات به خانه ها و مغازه ها و زمینهای کشاورزی تکرار شده ولی هیچ کس خبری از مردم نمگیره و شورا و دهیاری که میگویند پیگیری می کنیم از قرار معلوم کاری از دستشان بر نمی آید جز اینکه هنگام سیل روی بلوار وسط جاده بایستند و سیل و مردم طرف دیگر بلوار که نوی خیابانها و خانه هاشان به دام افتاده اند را نگاه کنند و یا بیلبهکوشان را عقب و جلو کنند که معلوم نیست کار بهتر می شه یا بدتر و انگار کسی نیست اقدامی برای سیل محمدآباد انجام بده و هر بار قصه پر غصه سیل برای محمدآباد تکرار می شه.

بی گمان بروز چندین سیل در عرض چند ماه و ورود خسارت پیاپی به مردم شریف محمدآباد مسأله و مشکل کوچکی نیست که بتوان

از کنار آن بسادگی گذشت ولی چرا مسئولین تا بحال از کنار آن

گذشته اند و فکری برای آن نمی کنند شاید کوتاهی از خودمان باشد یا شاید مدیریت بحرانی وجود ندارد و یا منتظرند سیل تمام محمدآباد را با خود ببرد و بیایند عکس یادگاری بگیرند و گزارش مصور هم برای رده های بالاتر بفرستند.

نشریه ناور به عنوان صدای مردم محمدآباد خواستار اقدام عاجل مسئولین جهت رفع مشکل سیل محمدآباد است و در کنار آن پیشنهاداتی رانیز بعنوان مطالبات و خواسته های اهالی روستا مطرح می نماید.

۱. عریض و عمیق نمودن کانال بتونی حاشیه آسفالت و احداث در دو طرف جاده

۲. آسفالت شانه خاکی کنار جاده

۳. لایروبی رودخانه خاصه رود

۴. انتقال آب حاشیه جاده آقی قلا به داخل رودخانه خاصه رود.



انس با کلام وحی

فاطمه ناصری، فاطمه محمدزاده

به بهانه ی ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن، صبحتی داشتیم با یکی از حافظان قرآن در روستا، خانم سلیمه ناصری عضو جامعه القرآن روستای محمدآباد و حافظ کل قرآن مجید، که در مصاحبه ای که بدین منظور ترتیب داده ایم پای صحبت های ایشان نشستیم.

✽ حفظ قرآن را از چه سالی شروع کردید و این کار چند سال به طول انجامید؟

از سال ۸۶ کار حفظ را شروع کردم که تا سال ۸۹ طول کشید

✽ چه عاملی باعث شد سراغ حفظ قرآن بروید؟

با خواندن یک حدیث در مورد حفظ قرآن تحولی در من ایجاد شد که تصمیم جدی برای حفظ گرفتم

✽ آن حدیث چه بود؟

پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: درجات بهشت به اندازه ی آیه های قرآن می باشد و حفظ یک آیه از قرآن باعث بالا رفتن یک پله از درجات بهشت می شود.

آیا در ابتدا مشورتی داشتید؟

بله، خانم شعبانی (مدیر جامعه القرآن) و مربیان مشوق من بودند.

آیا قرآن در زندگی تان تاثیری گذاشته است؟

بله، یک آرامش روحی در من ایجاد کرد و باعث زیاد کردن صبر و استقامت من در برابر مشکلات شد و همچنین اعتماد به نفس من را نیز در کارها زیاد کرد.

پرهیز از القاب زشت

صبح هنوز روشن نشده بود، و هوا تاریک بود و مردم همدیگر را خوب نمی دیدند، یکی از یاران پیامبر(ص) بنام «ثابت بن قیس» گوشش خوب نمی شنید، وقتی وارد مسجد می شد، مردم به او احترام کرده و راه باز می کردند تا کنار پیامبر(ص) بنشینند و گفتار پیامبر(ص) را بشنود. روزی وارد مسجد شد، مسجد پر از جمعیت بود، او جمعیت را می شکافت و می گفت: جا بدهید تا نزد پیامبر(ص) بروم. تا اینکه نزد یکی از مسلمانان رسید. او به ثابت گفت: همین جا بنشین، ثابت ناگزیر همانجا پشت او نشست، اما خشمگین بود که چرا آن مرد به او راه نداده است که نزد پیامبر(ص) برود. هنگامی که هوا روشن شد، ثابت از او پرسید کیستی؟ او در جواب گفت: فلان کس هستم. ثابت گفت: فرزند فلان زن (در اینجا نام مادرش را با لقب زشتی که در جاهلیت می بردن برد) آن مرد شرمگین شد و سر خود را به زیر انداخت. در این هنگام آیه ۱۱ سوره حجرات نازل شد و مسلمانان را از این کار زشت (که همدیگر را با نام زشت یاد کنند) نهی کرد^۱.

ای کسانی که ایمان آورده اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مستخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند، و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید، و آنها که توبه نکنند، ظالم و مستمگرنند.)

۱- المیزان، ج۱۸، ص ۳۶۰

ازدواج از ماده روز به معنای جفت عبارتست از قرین و همراه شدن دو چیز با یکدیگر و در اصطلاح عرف و شرح پیمان زناشویی است که بر اساس آن برای مرد و زن در برابر هم تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می آید. یکی از عوامل جامعه شناختی در بروز افسردگی، تجرد و خانواده های از هم گسسته است در اسلام به موضوع ازدواج و تشویق به تشکیل خانواده اهتمام زیادی شده است و آن را عامل ثبات روانی و دور شدن از اضطراب می داند و می فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ يَخْلُقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ «و از نشانه های آن این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید تا بدان آرامش یابید و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد قطعا در آن نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.(۲۱ روم)

در آیه شریفه آفرینش موجودی از جنس بشر که به عنوان همسر معرفی شده را مایه سکون و آرامش دانسته و با این فرایند، جامعه اسلامی را از ورود به وادی اضطراب و تشنج روانی دور نگه می دارد.

اسلام انزواطلبی و فرار از ازدواج را نهی و در مقابل ازدواج را در بجه ای برای ورود به آرامش و سلامت روانی معرفی کرده است.

منزلت متاهلین : پیامبر اسلام می فرمایند: هر جوانی که در آغاز جوانی ازدواج کند، شیطان بانگ بر می آورد: وای بر او، دین خود را از دستبرد من حفظ کرد.

۱- یکی از افراد بسیار متعبد پس از اینکه همسرش فوت کرد، دیگر ازدواج نکرد و با خود اندیشید اگر تنها باشم می توانم به عبادت خداوند و دیگر فکر و خیالم اشتغال به غیر ندارد.

یک هفته بعد شبی در خواب دید که درهای آسمان باز شده و مردانی به دنبال هم در آسمان رفت و آمد دارند همانطور ایستاده بود و تماشا میکرد، دسته ای از آنها به مقابل او رسیدند اولین نفر (درحالیکه اشاره به او می کرد) به نفر دوم گفت این شخص چه شوم و بدیمن است!دومی گفت: آری همینطور است، سومی به چهارمی همین مطلب را گفت و او هم تصدیق کرد. همینطور تا آخر همه او را شوم و بدیمن خطاب کردند او میخواست علت را بپرسد ولی از هیبت آنها میترسید سرانجام به

خود جرات داد و از آخرین نفری که از برابارش می گذشت پرسید این انسان شوم که به آن اشاره می کنید کیست ؟ جواب داد: تو هستی ! پرسید: آخر علت چیست ؟ پاسخ داد: تو پیوسته مامور بودیم که اعمال تو را بالا برده و در کنار اعمال مجاهدین در راه خدا قرار دهیم ولی چند روز است که به ما امر شده عمل تو را در ردیف اعمال مخالفان قرار دهیم و علتش را هم نمیدانیم. آن مرد از خواب برخاست و فهمید از وقتی که همسرش فوت کرده است این فیض بزرگ (هم ردیفی با مجاهدان در راه خدا) از او

امروزه مهریه های سنگین، جهیزیه های کلان و عروسی های پرزرق وبرق علاوه بر اینکه باعث دور شدن ما از سیره اهل بیت شده است، باعث شده

عبارت بود : ۱- یک پیراهن ۲- یک چارقد ۳- یک چادر سیاه ۴- یک تختخواب که با الیاف خرما درست شده بود ۵- دو عدد تشک کتانی که یکی از لیف خرما و دیگری از پشم گوسفند پر شده بود ۶- چهار عدد بالش ۷- یک حصیر ۸- یک پرده پشمی ۹- یک آسیا دستی ۱۰- یک طشت مسی

ولیمه عروسی:

در حدیث نقل شده که پیامبر در شب عروسی حضرت فاطمه به امام علی (ع) فرمود : یا علی من دوست دارم که امتم در عروسی ها



امروزه مهریه های سنگین، جهیزیه های کلان و عروسی های پرزرق وبرق علاوه بر اینکه باعث دور شدن ما از سیره اهل بیت شده است، باعث شده

عبارت بود : ۱- زن باید انیس و همدم مرد و یار و یاور او باشد بالاترین احترام و شخصیت ها را برای شوهرش قائل باشد ۲- زن در عین اینکه همسر شوهر خود است در مواردی باید برای شوهرش نقش مادر بازی کند انسان ها برده محبت اند. ۳- نرمش و ملایمت و عدم لجبازی، کانون خانواده را با صفا و صمیمی می کند نکته بسیار مهمی که مرد باید آن را رعایت کند این است که همیشه با همسر خود به مدارا رفتار نماید و در برخی روایات گفته شده که درباره دو گروه باید به مدارا رفتار شود : ۱- همسر ۲- یتیمان

ولیمه بدهند، پس بهتر است غذایی تهیه شور و عده ای را دعوت کنیم. حضرت علی (ع) مقداری خرما و روغن تهیه کرد و گوسفندی ذبح نمود و گوشتها را پخت و با روغن و خرما و کشک، غذایی تهیه نمود سپس پیامبر به علی (ع) فرمود : یا علی هر که را میخواهی دعوت کن؛ امام علی به مسجد رفت و گروه زیادی از اصحاب را دعوت کرد. پیامبر با دست خود غذا میکشید و نزد میهمانان میگذاشتند، از برکت دست رسول خدا همه سیر شدند و مقداری

از غذا هم که اضافه مانده بود برای فقرا و کسانی که نتوانسته بودند در جشن عروسی حاضر شوند فرستادند این ازدواج دختری بود که پدرش قدرت

ازدواج از منظر قرآن و سیره ائمه

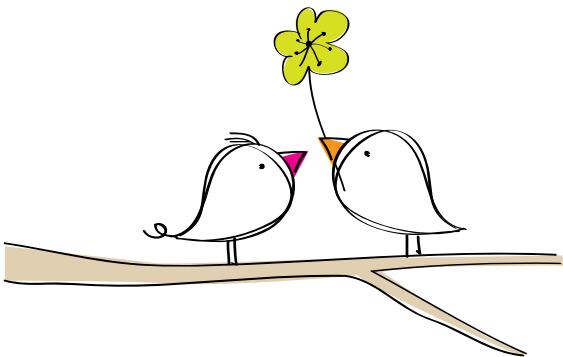
فاطمه ناصری

و محبوبیتی مافوق تصور داشت و یارانش به جای زر و سیم، سر نثار قدمش میکردند، اما نه دامادش را دچار قرض کرد، نه بیت المال مسلمانان را خرج خودنمایی و تجملات بی جا کرد و نه سطح هزینه ازدواج را بالا برد، به سادگی پرداخت تا الگوی صحیحی به دست مردم دهد.

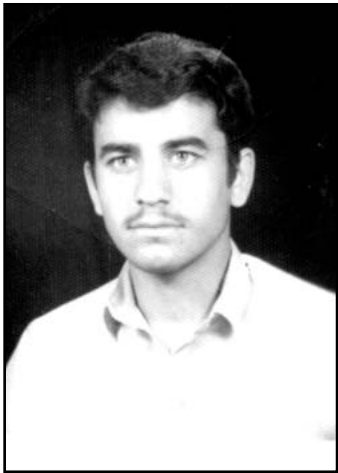
ولی متاسفانه امروزه مهریه های سنگین، جهیزیه های کلان و عروسی های پرزرق وبرق علاوه بر اینکه باعث دور شدن ما از سیره اهل بیت شده است، باعث شده که جوانان ما این فریضه محروم بمانند و ترس از ازدواج داشته باشند و همین باعث یکی از علت های زیاد شدن فساد در جامعه شده است! لذا از پدران و مادران میخواهیم این تعصبات را کنار بگذارند و ازدواج را برای جوانان آسانتر کنند و همه تشکیل خانواده دهند، آنها با این کار خود خیر عظیمی را نصیب خود میکنند.

در پایان نکاتی در مورد نقش زن اشاره می کنیم: ۱- زن باید انیس و همدم مرد و یار و یاور او باشد بالاترین احترام و شخصیت ها را برای شوهرش قائل باشد ۲- زن در عین اینکه همسر شوهر خود است در مواردی باید برای شوهرش نقش مادر بازی کند انسان ها برده محبت اند. ۳- نرمش و ملایمت و عدم لجبازی، کانون خانواده را با صفا و صمیمی می کند نکته بسیار مهمی که مرد باید آن را رعایت کند این است که همیشه با همسر خود به مدارا رفتار نماید و در برخی روایات گفته شده که درباره دو گروه باید به مدارا رفتار شود : ۱- همسر ۲- یتیمان

(منبع: نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده: داستان ازدواج و تربیت، سید مهدی شمس الدین : گلستان آیه ها، موسسه فرهنگی میرداماد)



فاطمه ناصری، فاطمه محمدزاده



در هفته دفاع مقدس یادی کردیم از کسانی که زندگی امروزمان رامدیونشان هستیم یادی کردیم از کسانی که وابستگی های دنیوی رارهاکردندوجسم وجان وخودرابرای دفاع ازدین وناموس ووطنشان فداکردندنه به دنبال پست ومقام بودندونه جاه ومكان ،خالصانه رفتندومظلومانه به شهادت رسیدندپهلوانانی که نامشان تاهمیشه درتاریخ این سرزمین باقی خواهدماند.وچه خوشبختم که درروستایی زندگی میکنم که روزی نسبت به جمعیتش بیشترین تعداد از این پهلوانان رادرخودپرورش دادوبرای دفاع ازدین ووطن به جبهه هافرستادروستایی که ۲۱شهیدوچندین جانبازواسیرتقدیم این انقلاب کرد از این بین خانواده هایی بودندکه سالها چشم انتظارجنازه فرزندانشان بودوخانواده هایی که بیش از یک شهید تقدیم انقلاب کردنددراین شماره به نمایندگی ازخانواده شهدا پای صحبتهای پدر و مادر شهیدان رمضان ومحمدخورشیدکلایی نشستیم.

—فرزندانتان در چند سالگی به شهادت رسیدند؟

پسرانم دو سال با هم اختلاف سنی داشتند. اول رمضان در ۱۸ سالگی رفت و شهید شد، یک سال بعد محمد هم رفت و شهید شد

— خبر شهداتشان را چطور متوجه شدید؟

تو شرکت عایق الکتری که کار می کردم بچه هایی بودند که از جبهه خبر داشتند، آنها زنگ زدند شرکت و خبر شهادت را دادند.

— چه حالی داشتی؟ چطور به خانواده ات گفتی؟

به هر حال از دست دادن جوان خیلی ناراحت کننده است. از محل کار می آمدم و از مادرشان می پرسیدم خبری نشد، می گفت نه، منم چیزی نمی گفتم و حیاط و خانه را مرتب می کردم و تا ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر مادرشان کم کم متوجه می شد.

— با وجود شهید شدن رمضان چطور اجازه رفتن به جبهه را به محمد دادید؟

در آن زمان مردم گوش به فرمان امام بودند و امام دستور داده بود و آنها به دستور امام عمل کردند و رفتند. هر چند برای محمد ما مخالفت می کردیم و اجازه نمی دادیم . به او می گفتم مادرت گناه داره، برادرت تازه شهید شده، نرو. باز هم رفت او راهش را انتخاب کرده بود و رفت.

— کجا به شهادت رسیدند؟

رمضان در سلمچه و محمد در کردستان

— فکر می کردید شهید شوندد؟

به هر حال وقتی می دانی که می خواهند جانشان را کف دستشان بگیرندو جلوی توپ و تانک بروند، مسلما احتمال شهادتشان وجود دارد.

شهداء حقایق زنده ی تاریخ



خواب دیدم یک راهروی تنگ و تاریک است، یک نوری وجود داشت و انتهای آن یک درخت انگور سیاه بود، من یک دانه انگور خوردم که واقعا شیرین بود و یک کبوتر روی آن خانه درست کرده بود و من کبوتر را گرفتم و بوسیدم، بعد پرواز کرد و از دستم رفت. خوابم را برای آقای خوابنما (روحانی محمدآباد) تعریف کردم. فقط گفت خوش به حالت و دیگر چیزی نگفت تا اینکه پسرانم شهید شدند و بعدا متوجه شدم که این خواب مفهومش چه بود.



مشکلات

شالیکاری در گفت و گو با شالیکاران

| جواد عباسی

برنج از مهم‌ترین غلات و اقلام غذایی جهان است که نیمی از جمعیت جهان، به برنج به عنوان یک غذای اصلی وابسته هستند. در روستای ما نیز با وجود دارا بودن دو آب بندان و داشتن چاه های عمیق و نیمه عمیق هر ساله مساحت زیادی از زمینهای روستا به کشت این محصول اختصاص داده می‌شود. در این شماره سراغ دو تن از شالیکاران پائین دست آب بندان رفتیم و در مورد شالیکاری از آنها پرسیدیم و از مشکلاتشان‌پرایمان گفتند.

حسن شاهکومحلی تقریباً از سال ۷۰در زیر ناور شالیکاری می کند با اینکه زمین و تراکتور از خودش است و کارهای کشاورزی اش را خودش انجام می دهد هزینه شالیکاری اعم از نشاگر، دروگر، کود و سم و ... را خیلی زیاد می داند و می گوید: « نصف در نصف می ماند، نصف هزینه

می شه و نصف هم برای خودت

می ماند.» و ادامه می‌دهد « با این هزینه های کود و سم که امسال چند برابر هم شده و با این قیمت شالی شاید دیگر به صرفه نباشه.»

وقتی سوال کردیم چقدر از شالیکاری زیر آب بندان راضی هستی ؟ گفت: « والله من که راضی ام، اما زمینهایی که بالاسر ما هستند نه میان وال دارند و نه کنار وال. هر سال که آنها آب زمینشان را قطع می کنند آب شالی ما هم قطع میشه و باید دنبال آبران بدویم و بعد از ۱۰–۱۲ روز آب به زمین ما می رسه. یعنی درست اون موقع که شالی آب میخواد آب نیست و شالی پوچ و کم برکت میشه ولی بعشش آب میرسه و زمین را گل میکنه و برعکس میشه و زمین برای درو گل می‌ماند.»

سوال دیگر ما در مورد منفعت شالیکاری زیر ناور برای خودش و یا روستا بود که در جواب سعی در برشمردن منافع کرده و گفت: « منفعت های زیادی داره، شخم و دیسک، تراکتور زدن، سم پاشی، کود پاشی، تخم کنی، نشاء، وجین، حمل و نقل و ... که همه ی اینها اشتغالزایی است و برای عده ای ایجاد شغل می کنه و منفعت دیگرش هم اینه که خیلی از اهالی روستا زیر آب بندان شالیکاری می کنند و برنج سالشان تامین می شود و دیگر برنج نمی‌خرد»، و در تأیید حرفش خاطره ای از گذشته

تعریف می کند « یاد هست اوایل پدر ما شالیکاری نمی کرد، برادر بزرگترم شیر می برد گرگان و به فرض ۵ تا ۱۰ کیلو برنج می خرید، خانواده ما هم پر جمعیت بود یک هفته نشده برنج تمام می شد و دوباره مجبور بودیم برنج بخریم » که این مشکل خیلی از محمداًبیهای بود که خدا را شکر الان به برکت آب بندان این مشکل برای خیلی ها برطرف شده.

وقتی از شاهکومحلی در مورد نقش و جایگاه کنار وال و میان وال در شالیکاری زیر ناور پرسیدیم گفت:زمین من ۲ تا کنار وال داره ولی میان وال نداره، چون لازم نیست، ولی زمین بالا سر من، نه کنار وال داره نه میان وال. این کنار وال ومیان والها برای راحتی خودمان است وقتی می خواهیم کود و سم داخل زمین بریزیم باید آب شالی قطع باشد و آب را باید به کنار وال بیندازیم تا به پایین دستی ها آب برسد و یا وقتی آب شالی را کشیدیم باید از کنار وال برای زمینهای آخر روثه آب فرستاده بشه. شاهکومحلی در آخر پیشنهاد میکنه که شورا باید زودتر روثه های شالیکاری را مشخص کند تا شالی در بهار نشاء بشه که خیر و برکش بیشتر است و مردمی که بالادست روثه هستند زودتر بجنبند تا شالیکاری زودتر به آخر برسه و یا اینکه بالادستی ها غلاتی مثل گندم وجو نکارند چونکه شالیکاری عقب می افته و به تابستان و کم آبی می خوره و هم بخاطر اینکه گندم بالادستی را آب نگیره نمیشه از کنار زمینش آب برای زمینهای پایینتر برد و از طرفی وقتی شالیکاری عقب بیفتد به کم آبی وسط تابستان و بارندگی آخر تابستان و اول پاییز می خوره و کار برداشت را خیلی سخت می کند.

سید ابوتراب حسینی حدود ۲۰ سال است که زیر آب بندان و جاهای دیگر به کشت شالی مشغول است و اعتقاد دارد شالیکاری نسبت به دیگر کشتایشان دارای هزینه بسیار بالاتر و درآمد کمتر است و با توجه به افزایش زیاد قیمت کود و سم و ... شالیکاری به صرفه نیست و آب جاری را مزیت شالیکاری در زیر آب بندان می داند به این خاطر که اگر با آب چاه شالیکاری کنی مجبور هستی هر روز به چاه آب سر بزنی و موتور را خاموش و روشن کنی و آبرانی کنی و این زحمات علاوه بر هزینه های روغن و گازوئیل و خرابی موتور است. همچنین طعم و پخت شالی زیر ناور نسبت به جاهای دیگر بهتر است و ادامه می دهد البته همینکه خیلی از مردم برنج سالشان تامین می شود و مازاد محصولشان را می فروشند و خرج زندگی می کنند و درآمدی هم برای اهالی روستا شده و اینها همه از منفعت شالیکاری

زیر آب بندان است. سید همچنین می گوید اگر زمینها یکپارچه باشه و جوی بتنی کشیده بشه تا آب کمتر هدر بره. و زمین بیشتری زیر کشت بره بهتره. کنار وال و میان وال هم برای زمینها از ضروریاتی است که سید به آن اشاره داره و میگه نمی شه که زمین کنار وال و میان وال نداشته باشه نمیشه که کلا آب روثه رو قطع کرد و اگر بعضی از زمینها این مشکل را دارند به آبرانها برمیکرد. آبران باید همان روز اول به صاحب زمین بگه کنار وال و میان وال بگیره و خود آبران باید کارگر بگیرد و جوی ها را رویراه کنه و به شورای آب بندان اطلاع بده و مزد کارگر را از

صاحب زمین بگیرند، اگر اینکار را بکنند سال دیگر صاحب زمین خودش کنار وال رو درست میکنه ولی رودریایستی می کنند و هیچکس انجام نمی ده، که البته مردم خودشان هم باید رعایت کنند.

وقتی صحبت از ششیدن پیشنهادات میشه تازه صحبت های سید گل میکنه و می بیني که چقدر بعضی از مردم حرف برای گفتن و پیشنهادات خوبی برای ارائه کردن دارند که باید شنیده و بکار گرفته بشه، سید ابوتراب پیشنهادش را با گوشزد کردن بالا رفتن هزینه ها شروع میکنه و میگه « باید زمینها جوی سیمانی داشته باشند تا هزینه های آب کمتر بشه چونکه در داخل جوی سیمانی علف نمی زنه، آب زودتر به سر زمینها می رسه

و آبی بین راه هدر نمی ره و یا زمین کسی را بیخودی آب نمی گیره و کارش را سخت نمی کنه .

و وقتی می پرسیم آیا در این زمینه مردم همکاری می کنند؟ میگه : متأسفانه مردم محمداًباد همکاری نمی کنند و با وجودیکه جوی بتنی خیلی بصرفه است هزینه ای نمی کنند.دیگر محمداًباد را اینکه خیابانهای کشاورزی باید خوب باشد ومردم خودشان هم باید کمک بکنند همین روستای برو خیابان زمینهایشان را ببین همه شن ریزی شده با ماشین میشه رفت سر زمین. ولی زیر آب بندان چی، بعد از اینکه باران بیاد با تراکتور هم نمیشه رفت، این شالیکار یکی دیگر از ضعف های شالیکاری محمداًباد را بذر شالی میدانه و میگه کشاورزان محمداًباد زحمت می کنند و اینهمه زمین و آب و هزینه های دیگر ولی یک بذر خوب نمیکارند. مثلاً یک نفر ۴–۵ نی شالی از شورا شالی میگیره و میگه که میخوام آذوقه سال خودم را داشته باشم. هر چی شد و هر چی بود فرقی نداره . پس یک بذر خوب نمی گیره و از آن طرف سهمیه شورای آب بندان هم خراب میشه و خوب نمی توانند بفروشند. شورای آب بندان اگر میخواد شالی خوب برای فروش داشته باشه باید یک سال بذر خوب بخره و در اختیار کشاورزان بخصوص آنهايي که از شورا شالی میگیرند و چندی نی شالی دارند قرار بده و هنگام محصول پول بذر رو بگیره، چونکه کشاورز پول نداره، اگر اینکار را بکنه برای چند سال راحت شده و شالی خوبی هم گرفته. از طرف دیگر شورای آب بندان باید از بهمن ماه به فکر شالیکاری سال بعد باشه نه اینکه در خرداد ماه تازه بفکر می افته که باید به کی شالی بدهند و... و دیگر اینکه باید برنامه ای هم برای کشت محصول دوم داشته باشند بگونه ای که همه یک محصول بکارند، جو یا گندم یا باقلا و

بعضی از افراد هم هستند که برای کشاورزی و شالیکاری زحمت نمی کشند مثلاً یک نفر نیم هکتار شالی میکاره ۲۰ تا کیسه شالی هم نمی گیره و زمینش همه علف و کلدمبه است، نه کود می ده نه سم به موقع می زنه نه وجین درست و حسابی میکنه، در حالیکه در استان مازندران با ۲۰۰۰ متر شالیکاری، درآمد زندگی سالشان را تامین می کنند ولی مردم محمداًباد عوض اینکه سرزمین و شالیکاریشان پرونده به کارهای دیگر روی می آورند و دنبال کار گری می روند و یا اصلاً کاری انجام می دهند و فکر می کنند شالی الکی عمل می آیدو محصول خوبی هم نمی گیرند و نمی دانند که چقدر دارند ضرر می کنند. باید کشاورز زحمت بکشد و برای محصولش خرج بکنه تا درآمد خوبی داشته باشد و با کشاورزی زندگیش را اداره کند.



هیچ کس از خطر اعتیاد در امان نیست

| کریم محمدی*



رفتاری والدین منجر به تقلید کور کورانه نوجوانان از آنان می شود. (سیگار کشیدن، نوشیدن الکل، اعتیاد به مواد مخدر و سایر کجروی های اخلاقی و...) عوامل روانی : اضطراب ، احساس تنهایی ، گرایش به افسردگی ، فقر در روابط عاطفی و احساس بی کفایتی در جوانان از ویژگیهای عمده ی تمایل به مصرف مواد مخدر در جوانان می باشد .

۳- عوامل اجتماعی: بیکاری ، وجود دوستان ناباب ، عرضه ی زیاد و سهولت دسترسی به مواد مخدر از جمله عوامل اجتماعی اعتیاد در جوانان هستند.

۴- عوامل فرهنگی : تغییر ارزش ها ، فاصله و شکاف فرهنگی بین نسل های گذشته و حال و گسترش احساس یأس و ناامیدی از جمله عوامل فرهنگی زمینه ساز اعتیاد جوانان هستند.

۵- خصوصیات و ویژگی های جوانان و نوجوانان؛ در خیلی از موارد مشاهده می شود نوجوانان و جوانانی که مضطرب، پریشان، افسرده و منزوی هستند، مرتب دچار شکست های گوناگون تحصیلی- اجتماعی می شوند و عزت نفس، خویشتنداری و اعتماد به نفس شان را از دست می دهند و به سیگار، الکل، مواد مخدر و... به عنوان مغری برای رهایی از این مشکلات روی می آورند.

۶- فشار دوستان و همسالان؛ گروهی از نوجوانان به دلیل سازگاری با دوستان و همسالان شان و یکرنگ شدن با آنها چنان موجودیت فردی- خانوادگی خود را فراموش می کنند که در برابر هر تقاضایی سر تسلیم فرود می آورند. هر چه روابط بین والدین و فرزندان نوجوان شان کاهش یابد، ارزش همسالان و روابط گروهی برای آنان بیشتر می شود.

از جمله راهکارهای موثری که والدین می توانند به منظور پیشگیری از اعتیاد جوانان و نوجوانان به مصرف مواد مخدر به کار بندند، عبارتند از:

۱- سعی کنید الگوی رفتاری خوبی برای فرزندان نوجوان خود باشید. او همواره نظاره گر اعمال و رفتارهای شما است. والدینی که خود، سیگار می کشند یا در مصرف داروهای مسکن و خواب آور افراط می کنند یا نگرش و دیدگاه

یکی از مشکلات عمده یی که نسل جوان امروز در جامعه با آن روبه رو است، خطر اعتیاد و گرایش به مصرف مواد مخدر است. از آن جا که مصرف این گونه مواد (انواع سیگارها، قرص ها، مخدرها و...) در بین جوانان و نوجوانان رو به افزایش است، وظیفه والدین، مربیان و سایر نهادهای اجتماعی برای آگاه ساختن قشر جوان از عواقب مصرف مواد مخدر به مراتب سنگین تر از قبل می شود. از آنجائیکه جوانان با گذر از دوران بلوغ و نوجوانی دچار تغییرات جسمی-روانی می شوند ، این تغییرات تأثیر زیادی را بر رفتارها و عکس العمل های هیجانی آنها نسبت به اطرافیان دارد. تأثیراتی مانند: احساس ناراضی، عصبانیت، بی حوصلگی، مخالفت، مبارزه جویی، عدم همکاری، بی اعتنایی و عیب جویی از جمله بدخلقی هایی است که زندگی نوجوانان را دشوار تر از پیش می کند. گاهی اوقات این ویژگی های رفتاری- اخلاقی نوجوانان به گونه یی است که آنان را شدیداً مستعد آلوده شدن به انواع کجروی ها و آسیب های اجتماعی می کند. این نوجوانان ارزش ها و معیارهای اخلاقی والدین شان را کمتر می پذیرند و بیشتر در صدد یافتن استقلال و اثبات خویشتن اند.

هر چه روابط بین والدین و فرزندان نوجوان شان کاهش یابد، ارزش همسالان و روابط گروهی برای آنان بیشتر می شود.

عوامل اعتیاد در جوانان

:

۱- زمینه های خانوادگی؛ مشکلات رفتاری در خانواده ها منجر به عدم امنیت و فشار روانی بر جوانان و نوجوانان می شود و آنان را از محیط امن خانواده دور می سازد. همین امر موجب ارتباط بیشتر او با دوستان و گاه افراد مساله داری می شود که زمینه ساز بسیاری از مسائل اجتماعی بعدی می شوند. الگوهای نامناسب

گفت و گوی ورزشی

اسلامی می تواند جوانان ما را از افسردگی و اعتیاد نجات بخشد.

برای رهایی از اعتیاد جوانان روستا باید ابتدا آثانی که احساس مسئولیت بیشتری نسبت به جوانان و آینده آنان دارند از پشت پرده بی تفاوتی بیرون بیایند و برنامه پیشگیری از اعتیاد را در محور فعالیتهای خودشان قرار دهند و درهای ورود به این جهنم زندگی را با مقاوم ساختن جوانان از نظر فردی و ذهنی ببندند و واقعیت اعتیاد و تهدید آن را نادیده نگیرند و با تشکیل انجمن ها و گروه هایی مانند : انجمن بررسی مسائل جوانان روستا، کمیته

بررسی مسائل اعتیاد جوانان و ... زمینه را ها می توانند با برقراری روابط سالم بین اعضای خود و آموزش های صحیح و زودهنگام فرزندان خود، آنان را از ابتلا به بسیاری از معضلات و گرفتاری های گوناگون اجتماعی نجات دهند. هیچ گاه نقش خودتان را بر افکار، اندیشه ها و آینده قشر جوان جامعه دست کم نگیرید. درابتدا باید فرهنگ پیشگیری به‌عنوان مهم‌ترین و مهم‌ترین عامل از سوی خانواده‌ها و جامعه مورد توجه قرار بگیرد.

در مرحله نخست باید والدین به عنوان یک منبع کلیدی مهم در این راستا آموزش‌های پیشگیری از اعتیاد، را فرا گرفته و آگاه‌سازی مناسبی انجام شود. ارائه این آموزش‌ها منجر به ایجاد فضای گفتمان با فرزندان شده، مسیر مناسبی را برای پیشگیری از اعتیاد بوجود می‌آورد.

خلاصه اینکه مهم ترین شیوه های پیشگیری از اعتیاد جوانان می تواند انجام کارهای فرهنگی ، از جمله آگاه کردن از خطرات و مضرات مواد مخدر و تقویت نگرش منفی به مواد - افزایش اعتماد به نفس و کنترل خود و تقویت قدرت تصمیم گیری مانند : دادن مسولیت و تکلیف در حد توان جوانان - دادن استقلال و آزادی به جوانان - پرهیز از انتقادات غیر سازنده ، تمسخر و شرمند کردن ، تنبیه و دیگر روشهای منفی - تهیه وسایل و امکانات تفریحی سالم برای جوانان و پر کردن اوقات فراغت آنان از جمله امکانات ورزشی و تشویق جوانان به ورزش -حوستی مناسب و صحیح با جوانان و راه اندازی مکان های فرهنگی -تفریحی و مذهبی پیشرفت و تفریحات سالم ، سوق دادن افراد به سمت مراکز دینی مثل مساجد و مراکز فرهنگی

* کارشناس ارشد علوم اجتماعی

گفتگو با یک بوکسور

| تهیه و تنظیم : محمد حمزه محمدآبادی

■ **اولین مسابقه رسمی شما کدام مسابقه بود؟**

اولین مسابقه ی من، مسابقه ی جوانان کشور در گنبد بود، که در بازی اول حریف اراکی را شکست دادم اما در مسابقه ی دوم مغلوب بازیکن تیم قم شدم و چون بازیها به صورت حذفی بود از گردونه ی رقابت ها کنار رفتم. ■ **بهترین مسابقه ی شما چه مسابقه ای بود؟**

به نظر من بهترین مسابقه همیشه اولین مسابقه هر فرد بوده، اولین مسابقه ی من یک تمرین دوستانه با بوکسر قائمشهر بود که این حریف قهرمان جوانان کشور بود، در آن زمان تازه ۶ ماه بود که داشتم بوکس کار می کردم.

■ **و بدترین؟**

بدترین مسابقه ام در رامیان بود که در آن مسابقات من از قبل از ناحیه ی بینی دچار آسیب دیدگی شده بودم و در آن مسابقه در راند اول دوبار مشت به قسمت آسیب دیده خورد و بینی ام خونریزی کرد و بعد از آن نتوانستم به مسابقه ادامه بدهم.

■ **شگرد شما در این رشته چیست؟**

اصلی ترین فن من «چپ-هوک راست» است که چون چپ گاردم این فن را خوب اجرا میکنم

■ **خاطره ؟**

سفر اخیرم با تیم استان به کشور ارمنستان و مسابقات دوستانه با این کشور یکی از خاطرات خوب دوران ورزشی ام بود

■ **چه برنامه ای برای آینده داری؟**

در حال حاضر برنامه ی کوتاه مدت برای آینده در درجه اول قهرمانی استان و قهرمانی کشور است که چند ماه دیگر شروع می شود. و اگر بخواهد و در مسابقات قهرمانی کشور موفق باشم، افق های هدف های بعدیم قهرمانی در مسابقات آسیایی و بعد از آن مسابقات جهانی و المپیک هست که امیدوارم با تلاش خودم و دعای خیر اهالی بتوانم به یاین مهم نائل شوم.

■ **در چه وزنی مسابقه می دهید و چه مقام هایی کسب کرده اید؟**

اوزان بوکس ۴۹، ۵۲، ۵۶، ۶۰، ۶۴، ۶۹، ۷۵، ۸۱، ۹۱ و ۹۱+ سنگین وزن می باشد که من در وزن ۵۲ کیلوگرم مسابقه می دهم. مقام هایم هم

مقام دوم مسابقات استانی جام خلیج فارس در رامیان، اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ / مقام اول مسابقات استانی جام امیرالمومنین در بندرگز،

روستای پهلوان پرور محمدآباد چه در گذشته و چه در حال قهرمانان زیادی را در خود پرورش داده که باعث افتخارآفرینی برای این روستا، استان و کشور و شده اند، این روستا از جمله معدود روستاهایی است که پتانسیل کسب عناوین و مدال های رنگارنگ در ورزش های انفرادی و گروهی را دارد که از جمله می توان به کبدی و فوتبال و در ورزش های انفرادی به جودو، کاراته، بوکس، کیک بوکسینگ، قایقرانی و ... اشاره کرد. زین پس تصمیم داریم در هر شماره با یکی از ورزشکاران مصاحبه ای داشته باشیم. و اما این شماره:

حسن حمزه ای

■ **از چه سالی شروع کردید و چند سال است در این رشته فعالیت دارید؟**

از آبان ماه سال ۸۸ شروع به کار کردم و سه سال است که در این رشته فعالیت دارم.

■ **چرا بوکس؟**

کلا به بوکس علاقه داشتم، پیش تر که فوتبال بازی می کردم، مسابقات بوکس را دوست داشتم و نگاه می کردم. قبلس هم برادر بزرگم چند ماه بوکس کار می کرد و گاهی اوقات در خانه با هم تمرین می کردیم، چند باری هم من را با خودش باشگاه برده بود که باعث شده بود بیش تر به سمت این رشته سوق پیدا کنم و حس کردم ورزش جذابیست. چون قبلا در ورزش گروهی فوتبال فعالیت داشتم، دوست داشتم این بار ورزشی را تجربه کنم که انفرادی باشد و برد و باختش به خودم برگردد.

■ **بوکسی که کار می کنید چه نوع بوکسی است؟**

رشته ای که من در آن فعالیت می کنم بوکس آماتور نام دارد، این نوع بوکس زیر نظر هیئت ها برگزار می شود. مسابقه ی بین دو ورزشکار متشکل از سه راند ۱ دقیقه ای است که مابین هر یک از راند ها ۱ دقیقه تایم استراحت مقرر شده است. پنج داور در بیرون رینگ حضور دارند که امتیاز می دهند و یک نفر هم به عنوان داور وسط داخل رینگ.

اما بازی های بوکس حرفه ای دوازده راند ۳ دقیقه ای است و با این تفاوت که بدون کلاه محافظ، پیراهن و دستکش برگزار می شود.

■ **تمرینات چطور است؟**

من تقریبا هر روز ۲ الی ۳ ساعت تمرین دارم، تمرینهای من شامل هوازی، استقامتی و حرکت سرعتی می باشد، یک جلسه کیسه بوکس، یک جلسه میت و در بعضی جلسه ها هم مبارزه دارم.



تیرماه ۱۳۸۹ / مقام اول جام همت در بجنورد، تیرماه ۱۳۸۹ / مقام اول جام گرامیداشت هفته ی بسیج در بندرگز، آذر ماه ۱۳۸۹ / مقام اول جام زنده یاد علی طاهری، مهرماه ۱۳۹۰ / مقام اول مسابقات چهارجانبه یادبود شهدای ورزشکار، تیرماه ۱۳۹۱ می باشد.

■ **مشکلات شما در این رشته چیست؟**

در هیئت قبلی مشکلاتی وجود داشت، اما در حال حاضر با عوض شدن هیئت کم کم اوضاع دارد سر و سامان می گیرد.

■ **و در آخر؟**

در آخر جا دارد از خانواده ام تشکر کنم که همیشه پشتوانه من بودند، بالاخص برادرم که در این مدت فعالیتهم در این رشته کمک زیادی به من کردند.

و همچنین از مربیان عزیزم آقایان اکرامی، علیرضا و مسعود الوندی، حبیب مازندرانی و آقای مهدی بیلپارده که آقای بیلپارده اولین مربی من بودند که بوکس جلو آینه را به من آموختند. از همه این عزیزان به خاطر زحمات بی دریغشان کمال تشکر را دارم.



ورزش یکی از سرگرمی های بشر از دوران باستان تا کنون است که روز به روز بر گستره و اهمیت آن در سلامتی و زندگی انسان افزوده می شود. روستای محمدآباد از روستاهای ورزش خیز استان است و جوانان این روستا نشان داده اند که اگر ساز و کارها و شرایط به واسطه حمایت مسئولان روستا از آنها مهیا باشد می توانند در هر زمینه

جوانان این روستا نشان داده اند که اگر ساز و کارها و شرایط به واسطه حمایت مسئولان روستا از آنها مهیا باشد می توانند در هر زمینه مخصوص در بخش ورزش خوش بدرخشند و برای ما و روستای خود افتخار آفرینی کنند

بخصوص در بخش ورزش خوش بدرخشند و برای ما و روستای خود افتخارآفرینی کنند و اگر غیر این باشد و از آنها حمایتی لازم به عمل نیاید احتمال اینکه به بیراهه رفته و در دام افراد سودجو و به اصطلاح گیر رفیق بد بیفتند هست. و به جای حضور در اماکن ورزشی و امثال آن به قهوه خانه ها رو آورده و اوقات فراغت خود را در آنجا سپری می کنند. عزیزان اگر بیاد داشته باشند زمانی بود که ناامنی و اعتیاد در روستا به اوج خود رسیده بود و اگر همانطور به حال خود رها می شد معلوم نبود تا به کجا پیش روی می کرد و تعداد افرادی که به این راه کشیده می شدند روز به روز در حال افزایش بود اینجا بود که با یک حضور به موقع از طرف پایگاه بسیج و شخص فرمانده پایگاه آن زمان و برخی از جوانان روستا و حمایت همه جانبه شورای اسلامی اتفاقی که در ابتدا غیر ممکن به نظر می رسید حادث شد و با وجود تمام کم و کاستی ها و مخالفت هایی که در برخی مقاطع انجام می گرفت به اتمام رسید و جوانان ما از این امتحان بزرگ با سربلندی بیرون آمدند و شرایط برای کارهای بعدی که همان بخش فرهنگی و ورزشی بود ایجاد شد.

درست در این موقع بود که با یک حرکت ستجیده و به موقع باشگاه فرهنگی ورزشی ایشار محمدآباد با ساز و کار و شکل و شمایل و مدیریت جدید پا به عرصه نهاد و تعداد زیادی از این جوانان پر شور را به خود جذب کرد. و زمینه برای بروز و ظهور استعدادهای آنها در بخش ورزش کشور پدید آمد.

حال در این جا می خواهیم به چگونگی تاسیس و فعالیت

این باشگاه بپردازیم.

باشگاه ایشار در سال ۱۳۸۰ به منظور قوت بخشیدن به فعالیت های ورزشی تاسیس و مشغول به کار شد.

این باشگاه تا سال ۸۷ فعالیت خود را تحت نظر شورای ورزشی محمدآباد دنبال و از سال ۸۷ با اخذ مجوز رسمی از اداره کل تربیت بدنی و با معرفی مدیر عامل جدید (عیسی اترچالی) به صورت جدی تر پا به عرصه نهاد.

در ابتدای شروع فعالیت و با استقبال کم نظیر جوانان از دختر و پسر در تمامی کمیته های فعال فضا و سالن ورزشی که وجود داشت جوابگو نبود. با پیگیریهای مدیریت جدید در مدت زمان کوتاهی سالن شهداء محمدآباد تجهیز و در اختیار باشگاه و جوانان روستا قرار گرفت.

حوزه فعالیت باشگاه:

- سیاست گذاری و برنامه ریزی فعالیتهای فرهنگی و ورزشی.
- برنامه ریزی جهت ایجاد و توسعه اماکن ورزشی
- برنامه ریزی برای پر کردن اوقات فراغت جوانان، نوجوانان، بانوان و پیشکسوتان در رشته های مختلف
- راه اندازی مدارس ورزشی به منظور تکمیل ورزشهای پایه
- همکاری مستمر با سازمانها، نهادهای و باشگاه های مرتبط
- برنامه ریزی در خصوص تیم داری

در رشته های مختلف و در رده های مختلف سنی با تصویب هیئت مدیره به منظور قهرمانی

با ترسیم این خط و مشی های کلی توسط هیئت مدیره ، باشگاه فعالیت خود را با تمام امکانات شروع کرده و در ابتدا با سیاست گذاری و برنامه ریزی مناسب شروع به جذب جوانان در کمیته های مختلف نمود و شور و هیجان خاصی را در بین جوانان برای ورزش کردن بوجود آورد.

یکی از کارهای زیربنایی و پایه

ای که در این مقطع انجام شد تربیت مربیان و داوران و فرستادن آنها به این کلاسها از بین خود جوانان روستا بود که مدیریت باشگاه هم تاکید زیادی روی آن داشت و مورد بعدی تاسیس مدارس و راه اندازی آنها به منظور تکمیل ورزشهای پایه بود.

تا آن زمان باشگاه ایشار در حد یک باشگاه کم رقم و ناشناخته در ورزش کشور بود و فقط در اندک مواردی مقامهایی در به صورت گروهی در سطح شهرستان و انفرادی به صورت تک ستاره در سطح کشور و منطقه داشتیم که زیاد به چشم نمی آمد.

درست از همین دوران و بعد از تشکیل باشگاه و از سال ۸۷ بوده که محمدآباد و ورزش آن در سطح کشور بر سر

باشگاه ایشار

[فرصت سازی یا فرصت سوزی]

زبانها افتاد و یکی از موفق ترین و تاثیر گذارترین رشته ها در محقق شدن این امر تیم کبدی و کمیته کبدی باشگاه بود. این تیم توانست در مدت زمان کوتاهی از یک تیم بی نام و نشان و کم رقم روستایی که حتی زمانی در حال انحلال بوده به واسطه حضور مربیان و ورزشکاران پرتلاش و حمایت همه جانبه مدیریت باشگاه گوی سبقت را از دیگر کمیته ها ربهوده و در بالاترین سطح ورزش کشور خود را مطرح کند. در ابتدای کار با تلاش و ممارست مربی وقت تیم (امیر مازندرانی) که یکی از برجسته ترین مربیان کشور محسوب می شود با حضور در لیگ دسته یک کشوری توانستند با کسب عنوان نائب قهرمانی این دوره از مسابقات (سال ۱۳۸۷) جواز حضور در مسابقات لیگ برتر کشور را کسب کنند و برای اولین بار در تاریخ ورزش روستا یک تیم به لیگ برتر معرفی کند. و بعد هم با قهرمانی این تیم در لیگ برتر اولین تیم روستایی باشد که به این مقام نائل می آید که در تاریخ ورزش کشور بی سابقه بود.

از همین جا بود که به واسطه حضور تیم کبدی در لیگ برتر دست مدیران برای جذب اسپانسر و حامی مالی باز شد و با رایزنیهایی که مدیرعامل باشگاه با افراد حقیقی و حقوقی

داشت وضعیت مالی باشگاه بهبود

پیدا کرد و توانست بدون اتکا به شورای اسلامی روستا به استقلال مالی برسد. البته ناگفته نماند که شورای اسلامی هم ابتدای هر سال یکسری تعهدهایی مبنی بر تامین درصدی از هزینه های باشگاه ارائه می داد. مثلا تامین ۱۰ یا ۲۰ درصد از کل هزینه های باشگاه که همین مقدار هم به خاطر مشکلات مالی موجود کماکان به صورت یک تعهد باقی مانده و در عمل فقط حمایتهای معنوی شورای اسلامی بوده که پشتوانه ای برای باشگاه بحساب می آمد.

اگر بخواهیم از نظر ریالی و عدد و ارقام به این موضوع بپردازیم باید بگوییم در طی این مدت که که باشگاه به مدیریت عیسی اترچالی اداره شد حدود ۴۰۰ میلیون تومان از محل رایزنیها و پیگیری های مستمر ایشان عاید ورزش محمدآباد شد و این در حالی است که تا آن زمان حتی یک ریال هم از هزینه های ورزشی از بیرون از محیط روستا بدست نیامده بود و تمامی هزینه ورزش به دوش شورای اسلامی بود.

ناگفته نماند به خاطر سیاست مدیر عامل باشگاه تمامی این مبالغ فقط به جوانان بومی خود روستا تعلق داشت و ایشان



معتقد بودند که ریالی نباید برای غیر محمدآبادی هزینه شود. که البته در مواردی این قضیه رعایت نشد که سود و نتیجه ی مطلوب هم نداشت.

همچنین لازم به ذکر است که در این مدت فعالیت باشگاه در دور جدید با تلاش و زحمات خود ورزشکاران، مربیان و خانواده های آنها افتخارات زیادی کسب نمودند که در راستای کسب این عناوین از طرف مسئولان امر تعداد ۴۰۰ سکه بهار آزادی از طرف مسئولان به آنها اهداء شد و این مزد زحمات خود آنها بود که در کنار تلاشهای شبانه روزی همه مسئولان ورزشی به ثمر نهشته بود.

حال باید دید بعد از این همه تلاش و کار بی وقفه ای که در بحث ورزش محمدآباد صورت گرفته فقط به خاطر تنگ نظریها و ریاست طلبی های عده قلیلی تمام این افتخارات و کارهای بزرگ که انجام شده نادیده گرفته شود و با نشر اکاذیب و تشویش اذهان مردم و دادن اطلاعات نادرست و خلاف واقع به تخریب شخصیت آنها بپردازیم و این در حالی است که عامه مردم این موفقیتها را دیده اند و از نزدیک با آن آشنا هستند.

بلی، ورزش روستای محمدآباد و باشگاه ایشار که طی چند سال اخیر در ورزش کشور جایگاه خاصی برای خود دست و پا کرده بود و سالی چند بار در صدر اخبار قرار می گرفت و مسابقاتش پخش زنده تلویزیونی میشد با همه آن افتخارات در حال نابودی است و همه آنهايي که منافشان در از بین رفتن ورزش و مدیران موفق ورزشی تامین می شود در پی تحقق اهداف خود هستند و تا حدود زیادی هم موفق به این کار شده اند چرا که با تخریب و اخلال در امر ورزش موجبات دلسردی مدیران ورزشی را رغم زده اند.

و این خود کافی است که ورزش و جوانان به حال خود رها شوند و مطمئن باشید که عواقب آن بزودی عیان می شود و چوب دندانم کاری عده معدودی را همه باید بخورند. در این جا نگارنده عاجزانه از همه عزیزانی که میتوانند کمکی به بهبودی شرایط موجود ورزش روستا بکنند تقاضا دارد با پیش گذاشته و به حل این مشکلات اهتمام ورزند که تجربه نشان داده که جوانان ما هر وقت که به حال خود رها شوند با مسائل و مشکلات زیادی روبرو شده ایم. پس بیایید طوری رفتار کنیم تا دوباره عرصه ورزش برای جوانان مهیا باشد که معتقدیم جوانان ما با استعداد و پرتلاش هستند و همین ها بودند که افتخارات بسیاری را برای روستا کسب کردند که برای یادآوری گوشه ای از این افتخارات را مرور می کنیم.

کسب عناوین نائب قهرمانی در لیگ دسته یک و حضور در لیگ برتر کبدی، کسب عنوان نائب قهرمانی در لیگ برتر کبدی سال ۸۸، کسب عنوان قهرمانی لیگ برتر کشور در سال ۸۸ در رده های سنی جوانان و نوجوانان، کسب عنوان قهرمانی لیگ برتر کبدی سالتی و ساحلی در سال ۸۹، حضور ۶ نفر از تیم کبدی ایشار در مسابقات آسیایی گوانگجو چین، حضور ۹ نفر از ورزشکاران محمدآبادی در المپiad ایران سال ۸۹ استان به همراه مربی که به اتفاق تیم قهرمان کشور شدند، قهرمانی تیم فوتبال ایشار در مسابقات باشگاهی دسته اول گرگان، قهرمانی تیم اسکواش بانوان ایشار در استان ، حضور نفرات باشگاه در اردوهای تیم های ملی کبدی، قایقرانی، کاراته و

کندس پادشاه (۲)

کندس پادشاه پس از گریختن اسبش و متواری شدن همراهانش و بعد از فرار از معرکه ای که مردم برایش درست کرده بودند و مسخره اش می کردند، چند ساعتی در زمین های اطراف روستا در حالی که خورجین اسبش به دوشش بود، به این سو و آن سو می رفت تا فکری به حال خودش بکند، از آن جایی که شاه بود، یک دست لباس رعیت در خور جینش داشت (برای مواقعی که می خواست بین رعیت قدم بزند و کسی او را نشناسد)، پس از تعویض لباس لازم بود چهره اش را هم کمی تغییر دهد، ژلیت اش را از خورجین در آورد تا سیبل های پادشاهی اش را کوتاه کند، گرچه در دل راضی به این کار نبود ولی مجبور بود. اما امان از روزی که دست روزگار پس گردنی به آدم بزند، کف ریش و افرشیو شاه را ندیمه ها با خود برده بودند، شاه که تا قبل از این امکان نداشت

بدون کف ریش و افرشیو نیوا سنسیتیو صورتش را اصلاح کند، این بار ژلیت را به دست چوپانی در بیابان داد و چوپان هم کمی بهتر از آنچه پشم گوسفند می تراشید، سیبل و اندک ریش کندس شاه را تیغ زد. شاه با چیزهایی که داخل خورجین داشت شکمش را کمی سیر

کرد، اوایل شب وارد روستا شد بلکه جایی برای خوابیدن پیدا کند. اوایل شب کوچه ها زیاد خلوت نبود، اما یکی دو ساعت بعد رفته رفته خلوت می شد و شاه نگران اینکه این شب و شب های بعد را چگونه سر کنند. در سکوت شب مشغول قدم زدن و اندیشیدن بود، در همین احوال جوانی را در راه دید که با شلوارک و آستین حلقه ای از خانه بیرون آمد و دوتا کوچه پایین تر پیچید و رفت داخل کوچه. از حدود ساعت ۱۰:۳۰ به بعد شاه چندین بار این صحنه را مشاهده کرد که جوانان و نوجوانانی به طرز مشکوکی از خانه بیرون می آیند و چند دقیقه بعد غیب می شوند. شاه با دیدن این صحنه برآن شد که کمی فضولی کند، لذا دورادور در کوچه ها دنبالشان به راه افتاد. چند دقیقه ای دنبال یک نفر می رفت و چند دقیقه بعد دنبال فردی دیگر. در آخر متوجه شد که افراد مختلفی با قیافه های تقریبا شبیه به هم در مکان معلوم و گاه نامعلومی اجتماع می کنند و به بحث و تبادل نظر می پردازند. شاه هنوز نفهمیده بود که اینان که هستند و چه می گویند. اما کندس شاه خسته بود و سردش شده بود، فضولی را رها کرد و تصمیم گرفت برای پیدا کردن جای خواب به سمت شهر روانه شود. اما او حتی نمی دانست راه شهر کدام طرف است. به یکی از گروه ها نزدیک شد تا نشانی راه را جویا شود

روشن بود، شبی به درنگ به سمت آتش رفت تا کمی گرم شود. دور آتش چندین نفر حلقه زده بودند و هر کدام یک آلت دودز در دست داشتند. اولین نفری که شاه را دید چیزی نگفت، می خواست بگوید اما نا نداشت. سیاهی چشمانش به زور دیده می شد و گوشه ی خرابه تنها نشسته بود. نفر دومی که شاه را دید، کمی سرحال تر بود. ابتدا هیکل و قیافه ی کندس شاه را با چشمان قرمزاش برانناز کرد. بعد بغل دستی اش را آرام صدا کرد و گفت: جاسم فرود بیا مشتری داریم. اما جاسم انگار نه انگار، چندباری جاسم را آرام صدا کرد، انگار که حفظ سکوت الزامی بود. جاسم یک بطری این دست و یک سیگار آن دست، کماکان خودش را زده بود به بی خیالی. این بار چند بار زد توی گوش جاسم، جاسم به خودش آمد و گفت: چیه؟ که؟ بغل دستی اش به جاسم گفت: مشتری داری و سپس با انگشت شاه را به او نشان داد. جاسم رو به شاه گفت: چی مخای عسلم؟ شاه گفت: سردم است. جاسم گفت: پس چن دَبیقه (دقیقه) کنار آتیش بشین، بعدش با هم سُبَت (صحبت) مِنیم

ادامه دارد ...



عکس ماهواره ای موقعیت برج محمدآباد

همزمان با برگزاری کارگاه فهم معماری در شهرستان گرگان در سال ۸۹، بنرهایی از عکسهای قدیم گرگان و منطقه در سطح شهر نصب شده بود که عکسهایی بود از معماری بافت قدیم و فرهنگ شهرستان گرگان (یا همان استرآباد) یکی از بنرها عکس قلعه یی بود که در توضیح آن نوشته بود « قلعه محمدآباد استرآباد - سال ۱۳۰۶ قمری - عکس: عبدا... میرزا قاجار - آلبوم خانه کاخ موزه گلستان». این عکس و در پی آن چاپ آن در سررسید استرآباد سال ۹۰ بهانه ای شد تا در این زمینه بررسی های بیشتری انجام دهیم.

در این خصوص یکی از نکات قابل توجه اسم تپه است که بر خلاف اکثر تپه های باستانی که به نام تپه خوانده می شوند مانند تورنگ تپه، تپه کمال آباد، تپه پوکردوال، نرگس تپه و تپه محمدآباد به نام برج خوانده می شود. همچنین ریش سفیدان روستا از پدرانشان نقل می کنند که در دوره ای بالای تپه محلی بوده برای نگهبانی و دیده بانی و پدرانشان به نگهبانی و دیده بانی پرداخته اند.

به همین بهانه گفت و گویی داشتیم با آقای « قربانعلی عباسی؛ کارشناس ارشد باستان شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان» و متن زیر، نوشته ای است که ایشان درباره برج محمدآباد و موقعیت دفاعی محمدآباد برای نشریه ناور نوشته اند.

عکس درج شده نیز از سررسید استرآباد سال ۱۳۹۰ برداشت شده است.

علی خورشیدکلایی

نقش محمدآباد در ساختار دفاعی استرآباد

در این نقشه تپه محمد آباد در شمال این روستا دیده می شود. بررسی های باستان شناختی با مطالعه مواد فرهنگی سطح این تپه، تاریخی که برای آن پیشنهاد نموده اند دوره آهن III-IV است که از نظر زمانی هزاره نخست پیش از میلاد تا اوایل دوره اشکانی را نشان می دهد.

ساخت برج محمدآباد را می توان، بعد از این که قلعه مبارک آباد(آق قلعه) و قلعه خلعت پوشان(قلعه خندان) به دلایل ضعف دولت قاجاریه در واپسین دهه های این حکومت کاربری خود را از دست داده اند، نسبت داد.

شادروان مصطفی ذبیحی یکی از کهنه سربازان جنگ جهانی دوم از وجود تفنگ چپان زبردست در این روستا یاد می کند که به خوبی توان دفاع از حمله احتمالی به روستای محمد آباد را داشته اند.

در گذشته های نه چندان دور(پیش از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه) بازرگانی که اجناس روسی را از بندر گمیش تپه وارد می کردند، یکی از توقف گاه های مهم ایشان روستای محمد آباد بوده است که علاوه بر تامین امنیت بازرگانان، شرایط لازم را برای آسایش آنان و تیمار اسبان آنان فراهم می کرده است.

برج محمدآباد از نظر ساختار معماری بسیار شبیه به برج های پیرامون شهر استرآباد است. در تصویرهایی که از این بناها به یادگار مانده این شباهت به نحو حیرت آوری به وضوح مشخص است.

در نقشه ای دایره جغرافیایی ارتش در سال ۱۳۲۱ خورشیدی که موقعیت شهرها و روستاهای دشت گرگان در آن مشخص شده است، محمدآباد به عنوان یکی از روستاهای شمال استرآباد در آن دیده می شود.

در برخی از منابع دوره قاجاریه از جمله کتاب مخابرات استرآباد به نام روستای محمدآباد اشاره شده و عبدالله خان قاجار عکاس باشی(دارالفنون) درباره قاجاریه نیز از ضلع شرقی برج این روستا عکسی تهیه نموده است. در این تصویر همراهان وی و فرستادگان حاکم استرآباد در آن دیده می شود.

برج محمدآباد از نظر ساختار معماری بسیار شبیه به برج های پیرامون شهر استرآباد است. در تصویرهایی که از این بناها به یادگار مانده این شباهت به نحو حیرت آوری به وضوح مشخص است. این برج بر فراز تپه ای باستانی به ارتفاع ۵ متر قرار داشته است و از نظر جغرافیایی مکان بسیار مناسبی برای دیده بانی بوده است.

تی.جی.آرن باستان شناس فقید سوئدی در سال ۱۳۱۰ خورشیدی نخستین فردی بود که نقشه باستان شناسی دشت گرگان را به کمک مهندس والتر شوائنزر اتریشی ترسیم نمود.

نقش محمدآباد در ساختار دفاعی استرآباد

گفت و گو با حاج حسین مکتبی از مدیران کاروان های حج و زیارت

مسئله اصلی شکل سوغاتی خریدن است



معمولاً سوغاتی اجناسی مانند پوشاک، ساعت مچی، دوربین یا یک چیز کوچک و جمع و جور سوغات می آورند. در جواب این افراد چه باید گفت؟ فرقی بین سوغات در سفر های زیارتی و سیاحتی وجود دارد؟ یا اینکه اشکال از شکل سوغاتی خریدن است و ربطی به سیاحتی و زیارتی بودن سفر ندارد؟

در این زمینه هدف باید مشخص شود، هدف ما از رفتن به مکه مکرمه چیست، آیا خرید سوغات است یا باب معرفت الله است عقل ایجاب میکند کسی که چند سال در نوبت عمره یا تمتع و ... هست تا نوبتش شود، آیا هدفش و یا نوبتش برای خرید از بازار بوده و وقت خود را در بازار بگذراند و در نهایت از دست فروش ها لباس چینی بخرد! آیا این لباس در ایران نیست. یقیناً هدف چیز دیگری است، اصل هدف در بین بعضی زائرین گم شده است. در خصوص کشورهای سیاحتی هدف افراد تفریح و خوشگذرانی دنیایی و یقیناً خرید است.

■ سن و سال زائرین تناسبی با نوع خرید و هزینه ی خریدشان دارد؟ (مثلاً جوان ها کمتر خرید کنند و یا شکل و هزینه ی خریدشان با مسن ها فرق کند) اگر چنین چیزی هست دلیل آن چیست؟ آیا شاهد تغییر فرهنگ هستیم؟

در مجموع تجمل گرایی-چشم و هم چشمی-انتظارات نابجا بعضی ملتسمین دعا-جذائیت بازاریابی برنامه‌گی-غفلت از اهداف معنوی-خریدهای همسفران خصوصاً هم محلی ها و تبلیغ و تشویق آنان در این زمینه-دریافت سرراهی (هدیه) و فرهنگ سوغات همگی دست به دست هم می دهند که بعضی زائرین به جای حضور معنوی و بهره برداری کافی در این زمینه بازار گردی مشغول شوند که متأسفانه این اقدام خصوصاً در ایام نمازهای پنج گانه که زائرین یا در خال خرید

های خرید خانواده های جوان چقدر است؟ متوسط هزینه ی خرید خانواده های مسن چقدر است؟

نمیتوان میانگین برای خرید افراد در نظر گرفت، متأسفانه در حد ۵۰۰ هزار الی ۲ میلیون تومان حتی بالاتر هم خرید انجام شده، البته بیشتر خریده‌ها برای سفر اولی ها می باشد! با این توجیه که باید برای همه سوغات بخزند. هرچند سوغات در کشور برای خود تعریف دارد که متأسفانه رعایت نمی شود، بطور مثال سوغات کربلا، تسبیح و مهر است و یا سوغات مکه مکرمه، آب زمزم، عطر، سجاده و ...

می تواند لباسهای آنچنانی و ... عمده خرید زائران چه کالاهایی است؟ این خرید چه میزان متناسب با مقصد سفر است؟ چه سوغاتی متناسب با کشورهای مقصد است؟ زائرین چقدر از این تناسب آگاهی دارند؟

بهترین شیوه خرید سوغات در حد معمول است نه در حد اسراف از داخل کشور اسلامی قبل یا حتی بعد از بازگشت از مسافرت می باشد، در این وضع هم ارزی از کشور خارج نکردی، هم وقت خود را به عبادت و زیارت گذراندی و هم نگران ساک و بار خود نیستی. ■ در بحث تناسب سوغاتی با مقصد سفر، شاید بعضی ها بگویند که اگر کسی به کشور های غیر زیارتی (مالزی-چین-اروپا و ...) هم سفر کند،

زیارت خالصانه و عبادت و بندگی است را تحت الشعاع قرار ندهد. از قدیم سنت حسنه ای مرسوم بود که به مسافرتین هدیه یا به اصطلاح عامیانه سرراهی می دادند تا در صورت نیاز مشکلاتش را در سفر با آن رفع و رجوع نماید که این سنت حسنه هرچند هم اکنون نیز تداوم دارد، اما مشکلاتی را برای زائران به وجود آورده است، یعنی ما به جای اینکه از وقت خود استفاده بهینه کنیم (در صورتی که نیازی به پول هدیه نداریم اما آن را گرفته ایم) و برای فرد هدیه دهنده در آن مکان نماز و دعا بخوانیم و حتی پول هدیه را صرف ا حرم ا ثمه و افراد نیازمند کنیم خود را تسلیم بازار و بازاریگردی می کنیم،

بعضی زائرین متأسفانه تمام حرم و غم آنها بعد از یک روز زیارت و استراحت به این امر بازاریگردی اختصاص می یابد غافل از اینکه هدف ما از حضور در این مکان چیز دیگری است زائران معمولاً برای بازار و خرید به آدرس هایی که از زائران قبلی گرفته بودند مراجعه می کنند یا با استفاده از وسایل نقلیه رایگان- در جلوی درب هتل - به فروشگاه های بزرگ مکه و مدینه می روند. ■ هر خانواده به طور میانگین (یا به تفکیک) به طور متوسط چقدر هزینه ی سوغاتی می دهند؟ مثلاً متوسط هزینه

حاج حسین مکتبی از سال ۷۶ به عنوان خدمه حج تمتع فعالیت خود را در امور زیارتی آغاز کرده و از آن زمان تا کنون در این زمینه فعالیت دارد. وی فعالیت های مدیریتی خود را از سال ۸۱ شروع کرده و به طور متوسط سالی ۴-۵ بار به همراه زائرین در سفرهای زیارتی می باشد. با توجه به سابقه و تجربه ای که ایشان در زمینه حج و زیارت دارند در رابطه با موضوع سوغات با ایشان به گفت و گو نشستیم.

■ کاروان های زیارتی در هر سفر، برای هر نفر چه هزینه ای دریافت میکنند؟ لازم است گفته شود تمامی هزینه های زائرین بر اساس مصوب حج و زیارت بوده و مدیران نقشی در آن ندارند، بنابراین شامل هزینه های ارزی (اسکان-حمل و نقل درون شهری کشور مقصد-تغذیه-هواپیمایی) و هزینه های استانی (اتوبوس مبدأ تا مرز-تغذیه بین راهی-اسکان مرز و ...) می باشند که هزینه های ارزی توسط مرکز و استانی در استان به تصویب می رسد و در نهایت به کارگزار ابلاغ می شود. که در حال حاضر برای یک زائر عتبات عالیات: ۵۴۴۷۰۰۰ ریال و در خصوص حج عمره نیز به همین روال می باشد البته بستگی به زمان اعزام، انتخاب درجه هتل، انتخاب نوع پرواز و مقصد (مدینه -جده) دارد.

■ در سفرهایی که همراه زائران هستید چقدر در جریان سوغاتی خریدن شان هستید؟ چه اندازه شاهد دغدغه ی زائرین در این زمینه هستید؟ مسافران با شما مشورت می کنند؟ مثلاً آدرس بازار پیرسند

سوغات یا هدیه یک امر مطلوب به شمار می رود به شرطی که هدف ما که همان

مچی و دوربین» بوده است، یعنی کالاهایی که ارزش معنوی خاصی ندارند و اغلب در بازارهای ایران با کیفیت تر و با ضمانت هستند. احتمالاً یکی دیگر از دلایلی که بسیاری از زائران را به سمت خرید در بازارهای کشورهای زیارتی سوق می دهد، مسئله ی ارزان بودن اجناس است که البته باید به همراه آن عدم ضمانت و عدم مرغوبیت جنس های ارزان در این بازارها را نیز مدنظر قرار داده و به محض دیدن جنس ارزان اختیار از کف ندهیم. مسئله ی خرید های بی اندازه ی ما در کشورهای عربی مطمئناً باعث ایجاد این ذهنیت در مردم آن کشور و مسافران دیگر کشورها می شود که مگر در ایران قحطی لوازم و ضروریات زندگی است که شهروندان ایرانی تا پای شان به بازار باز می شود، بیرون آمدنشان با خداست. که این امر نیز موجب خدشه دار شدن چهره ی کشورمان در بین مردم کشورهای مسلمان می شود.

بحث دیگری که در مورد علت خریدهای زیاد ما مطرح است که از نظر نگارنده مهمترین علت این امر نیز به حساب می آید، بحث انتظاری است که فامیل و بستگان از ما دارند، مخصوصاً کسانی که پیش تر به سفر زیارتی رفته اند و برای ما سوغات آورده اند. مسئله ای که در فرهنگ امروز ما منطقی است و انتظاری هم که اقوام دارند فی نفسه به جاست، زیرا سوغاتی جزئی از سفر است. اما اینکه آیا تمام اعضای فامیل جایز اند این انتظار را داشته باشند یا نه جای بحث دارد و در مورد همان تعداد بستگان درجه یکی که برایشان سوغاتی می آوریم، چه بیاوریم و چه اندازه بیاوریم نیز لازم است بیشتر صحبت شود.

در انتها باید عرض شود که هدف از نگارش مقاله ی حاضر و انجام مصاحبه در درجه اول طرح مسئله بود و به دنبال آن آقای مکتبی نیز صحبت ها، پیشنهادات و راه حل های خود را با توجه به سابقه و تجربه ای که در این زمینه داشتند بیان کردند. در ادامه ی این موضوع نیز از خوانندگان

محترم تقاضا می شود نظرات و پیشنهادها را به ترتیب خود را در این زمینه با ما در میان بگذارند.

سوغاتی خریدن یکی از مهمترین چالش های سفرهای زیارتی خارج از کشور است که البته در سفرهای غیرزیارتی نیز رایج است ولی رنگ و بویش در سفرهای زیارتی بیشتر است. لفظ چالش، برای نفس سوغاتی خریدن نیست، سوغاتی جزئی از سفر است، بلکه مسئله اصلی شکل سوغاتی خریدن است. اینکه هر بار چند صد هزار تومان را در هر سفر زیارتی باید خرج خرید کالاهای بی کیفیت چینی در کشورهای عربی کنیم و سالانه مقدار قابل توجهی ارز از این طریق از کشور خارج کنیم و پس از چند ماه که سوغاتی ما در دست اقوام خراب شد و از کار افتاد باید امیدوار باشیم که نزدیکانمان عیب و ایراد از جنس های نا مرغوب و مسئله ی دیگری که علاوه بر مرغوبیت کالا و هزینه ی اقتصادی آن مطرح است، بحث تناسب سوغات و مقصد سفر است که در این زمینه شاید کمی بیشتر باید تأمل کرد، در مورد تناسب سوغات و مقصد سفر لازم است یادآوری شود سوغاتی که ما از سفر برای عزیزان مان می آوریم در درجه اول نمادی از فرهنگ و آداب منطقه ای است که به آن سفر کرده ایم. اکثر ما مسافرت های داخلی رفته ایم، معمولاً سوغاتی خریدمان در آنجا اینگونه است که صنایع دستی آن منطقه را به عنوان سوغاتی و شیرینی مخصوص آن محل را جهت پذیرایی از کسانی که بعد از سفر به دیدمان می آیند، خریداری می کنیم. مثلاً وقتی به دیدار دوست صمیمی مان که تازه از اصفهان برگشته می رویم، سوغاتی برایمان یک قوری قلم زنی شده از اصفهان می آورد (تی شرت نمی آورد) و چند دقیقه ای که کنارش هستیم و از خاطرات سفر برایمان می گوید با گز و سوهان از ما پذیرایی می کند. یک بررسی در عمره ۸۸ درباره محتوای سوغات زائران ایرانی و غیر ایرانی نشان داد که مهمترین سوغات تهیه شده توسط زائران غیرایرانی از بازار عربستان به ترتیب»

آب زمزم، خرما، جانماز، تسبیح و بردیمانی» بوده است اما مهمترین سوغات تهیه شده توسط زائران ایرانی به ترتیب «پارچه، پوشاک، اسباب بازی، ساعت

مسئله

اصلی شکل سوغاتی

خریدن است. اینکه هر بار چند

صد هزار تومان را در هر سفر زیارتی

باید خرج خرید کالاهای بی کیفیت چینی

در کشورهای عربی کنیم و سالانه مقدار قابل

توجهی ارز از این طریق از کشور خارج کنیم

نگاهی آسیب شناسانه به مقوله سوغاتی آوردن از سفرهای زیارتی

سوغات

پس از چندین سال انتظار حالا نوبت تو شده، منتظری که بروی و از فرصت به دست آمده حداکثر استفاده را بکنی، شاید دیگر چنین موقعیتی پیش نیاید، در فرودگاه با خوشحالی و دلی پر از آرزو با خویشان و دوستان خداحافظی میکنی. در هواپیما به این فکر میکنی این دو هفته را چه بکنی و کجا بروی. از با تجربه ها می پرسی. وقتی می رسی و از پله های هواپیما پایین می آیی بوی شهر پیامبر را استشمام می کنی. روز اول چشمت که به گنبد سبز می افتد دلت پر می کشد، یاد آرزوهایت می افتی، یاد تمام کسانی که التماس دعا گفته اند. روز اول در مدینه همه چیز همانگونه بود که فکر میکردی، پر از ثواب و دلدادگی. اما روزهای بعد قضیه فرق می کند، یاد خانواده و اقوام و دوستان می افتی که هنگام برگشتن از تو انتظار دارند. اینجاست که مجبوری دل از گنبد و بارگاه بکنی و راهی بازارهای عربستان شوی.

تهیه و تنظیم: مسعود حمزه ای

وقتی حرفهای دونفره تان ته میکشد

متفاوتی از موضوع صحبت خود دارند. در ادامه سه شکایت رایج تری که زنان در این مورد دارند ذکر می شود.

در مورد احساساتش حرف نمی زند

برخی زن ها می گویند که نامزد یا همسرشان هنگامی که ناراحت یا افسرده اند صحبت نمی کنند.این سکوت برای زنان کشنده است، زیرا به فکر فرو می روند که چه مشکلی پیش آمده است. روان شناسان می گویند که این به طور طبیعی اتفاق می افتد. زیرا پسران و دختران در طول دوران رشد می آموزند که هیجاناتشان را به طور متفاوتی ابراز کنند. رابرت می هی، روانشناس، می گوید طی دوران رشد، دختران خامنی با خوشحالی از سر کار به خانه می آید تا به شوهرش خبرهای خوبی بدهد. وقتی به خانه می رسد با هیجان به شوهرش اطلاع می دهد که در شغلش ترفیع یافته است و می خواهد جزئیات را مو به مو با او در میان بگذارد. اما شوهر، طبق معمول تمایلی به صحبت کردن و یا شنیدن نشان نمی دهد. او تنها لبخندی می زند و تبریک می گوید و سپس به سراغ کارهای خود می رود.

زن برای هزارمین بار از خود می پرسد که چرا او و شوهرش خیلی کم با هم حرف می زنند و چرا او تمایلی ندارد در مورد ارتقای شغلی من بیشتر بداند؛ «من می دانم که او به من اهمیت می دهد و از پیشرفت من خوشحال می شود. هر وقت از او می پرسم آیا مشکلی وجود دارد، می گوید نه، همه چیز عالی است، اما به گمان من این طور نیست. در حقیقت، سکوت او به شدت بر رابطه ما تأثیر گذاشته. من احساس آزردگی، عصبانیت و گیحی می کنم.»

سکوت شاید بدترین مشکلی باشد که یک زوج خوشبخت می توانند با آن مواجه شوند. مشکلی که در نگاه خیلی ها مشکل به حساب نمی آید اما می تواند کیفیت زندگی را ۵۰ تا ۷۰ درصد کاهش دهد. اگر تازه ازنواج کرده اید و هنوز در دوران پر شر و شور نامزدی به سر می برید ممکن است خیلی با این موضوع درگیر نشده باشید اما این به معنی آن نیست که هیچ وقت با چنین مشکلی رو به رو نخواهید شد. پس لازم است قبل از رو در رو شدن با این مشکل آمادگی هایی را کسب کنید:

طی دوران رشد، دختران برای این که احساساتشان را بروز دهند تشویق می شوند و پسران می آموزند که این کار زنانه، بیهوده و بی نتیجه است.بنابراین، مردان با در خود فرو رفتن به این فکر می کنند که برای مواجهه با مشکل چه راهکارهایی وجود دارد. در آغاز رابطه، مرد بیشتر صحبت خواهد کرد تا خواسته های خود را اعمال کند. سپس، به تدریج، صحبت های او کمتر و کمتر می شود. اما زن هنگامی که

با مردی احساس راحتی کند، بیشتر صحبت می کند. یکی از عمده ترین دلایلی که زنان و شوهرانشان در ارتباط برقرار کردن با همدیگر مشکل دارند این است که آنها تصورات

خیلی خسته اند اما اگر همان موقع یک دوست با آنها تماس بگیرد، زمان زیادی با او صحبت می کنند. برای زن گفت و گو نشان دهنده دل بستگی، علاقه و محبت است. اما برای مرد گفت و گو کار است، زیرا آنها از آن برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران و بازگو کردن اطلاعات استفاده می کنند. در خانه آنها تمایل دارند آرامش داشته باشند و دوست ندارند بحث کنند. زنان و مردان به رغم دیدگاه های متفاوتشان، می توانند مشکلات ارتباطی شان را حل کنند. پس برای این که شوهرتان با شما درد دل کند این راهبردها را به کار گیرید:

– زمان مناسبی را برای گفت و گو انتخاب کنید:این مسأله بسیار مهم است. شما ممکن است که بسیار علاقمند باشید که بعد از بازگشت از کار، با شوهرتان صحبت کنید، اما او در آن موقع نیاز به آرامش داشته باشد. پس بهترین راه این است که بعدا گفت و گو کنید.
– در مقابل سکوت شوهرتان سکوت نکنید:گاهی اوقات سکوت مرد باعث ایجاد احساس ناکامی و عصبانیت در زن می شود. برای اجتناب از این موقعیت، موقعی که شوهرتان پاسخ نمی دهد سکوت نکنید. به او بگویید: «می توانی به من بگویی چرا برای تو سخت است بگویی به چه فکر می کنی؟» اگر او باز هم پاسخ نداد، راحت از کنار سکوتش رد نشوید. به او بگویید تمایل دارید در مورد آینده صحبت کنید. او را متوجه کنید که شما انتظار شنیدن پاسخ دارید.
برای زن گفت و گو نشان دهنده دل بستگی، علاقه و محبت است. اما برای مرد گفت و گو کار است، زیرا آنها از آن برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران و بازگو کردن اطلاعات استفاده می کنند

جزئیات را بپرسید سوالات دقیق بپرسید. این گونه سؤال نکنید که «امروز کار چطور بود؟» زیرا او می تواند در یک کلمه جواب بدهد که عالی بود یا افتضاح بود. در مقابل، از جزئیات کارش سؤال کنید. مشخص تر شدن سؤال باعث می شود که او با احتمال بیشتری به سؤال شما به طور جزئی و با دقت پاسخ بدهد

– مراقب اشاره های غیر کلامی تان باشید:

اگر شما هنگام صحبت کردن کتاب ورق بزنید، کار را برای این که شوهرتان ساکت بماند آسان کرده اید. برای بهتر شدن

گفت و گو سعی کنید حالت چهره تان خنثی باشد، بدنتان آرام و لحن صدایتان نه بسیار بلند باشد، نه بسیار آرام.

– علائق مشترکتان را توسعه دهید: زوج هایی که همه توجهشان را بر بچه ها یا کارشان متمرکز می کنند اغلب در می یابند که بسیار کم با همدیگر صحبت می کنند. شرکت در فعالیت های متفاوت و جدید از جمله پیاده روی و مسافرت همراه با همسرتان باعث می شود که شما به مقدار بسیار بیشتری با همدیگر صحبت کنید.

– با دقت گوش دهید: هنگامی که شوهرتان صحبت می کند، به حرف های او توجه کنید و اجازه ندهید ذهنتان منحرف شود. مهارت های گوش فرا دادن فعال را به کار ببرید. چیزی را که شوهرتان می گوید به زبان خودتان بازگو کنید. هنگام صحبت او مخالفت نکنید و وسط حرف هایش نپرید. گوش فرا دادن فعالی می تواند به او کمک کند تا راحت

– متصفانه بحث کنید:اکثر زوج ها نمی دانند که چگونه بحث سالمی داشته باشند. بسیاری از مردان تلاش می کنند به طور کلی از بحث کردن اجتناب کنند، زیرا می ترسند که این بحث تبدیل به یک مشاجره توان فرسا شود. برای مقابله با این مسأله یاد بگیرید که سازنده بحث کنید. از به کار بردن الفاظ منفی، جملاتی که با «تو هرگز ...» یا «تو همیشه ...» شروع می شوند، ایجاد احساس گناه و دوباره مطرح کردن اشتباهات گذشته اجتناب کنید. در مورد این که اکنون چه احساسی دارید صحبت کنید و به نقشتان در بروز مشکل اشاره کنید. همه تقصیرها را به گردن شوهرتان نیندازید؛ حتی اگر فکر می کنید واقعاً در این مورد خاص او مقصر است.

– از مشاوران و روانشناسان کمک بگیرید: اگر شما راهبردهای بالا را به کار گرفتید اما هنوز مشکل وجود دارد، سراغ مشاور بروید.

منبع:سایت تبیان



[یک عکس، یک گزارش]

سابقه خواندن قرآن به صورت دسته جمعی در روستای محمّدآباد به زمان حضور آقای خواب نما (روحانی محمّدآباد در قبل از انقلاب) برمیگردد که این روند حفظ و همچنان ادامه دارد از این شماره سعی داریم گروه های قرآن خوانی روستا را به طور مختصر معرفی کنیم و این شماره به سراغ گروهی که در عکس می بینید رفتیم.

این گروه از سال ۱۳۶۱ و به همت آقای قاسم مکتبی شروع به فعالیت کرده اند. قدیمی های گروه محمد عباسی، محمد حمزه ای، سید مجید حسینی و جعفر جعفرآبادی اند و بقیه افراد به تدریج به اضافه گشته اند. اولین مربی شان همانطور که ذکر شد آقای قاسم مکتبی بود که در آن زمان با اینکه در گرگان سکونت داشت در تابستان و زمستان به محمّدآباد می آمد و نمی گذاشت روال هفتگی قرآن خوانی تعطیل شود. و پس از آن حاج یحیی مکتبی عهده دار این مسئولیت شد.

اولین مکانشان در اولین کتابخانه روستا در کنار پایگاه بسیج فعلی قرار داشت و پس از چندین بار تغییر مکان هر هفته به منزل یکی از اعضا می رفتند که در حال حاضر نیز بدینگونه است. شهید عبدالرسول جعفرآبادی، شهیدابوالقاسم بیرجندی و مرحوم سیدمصطفی حسینی(رمضان) و مرحوم سید باقر حسینی از اعضای این گروه بودند که به رحمت ایزدی پیوستند.

از گلستان من ببر ورقی

زاهدی مهمان پادشاهی بود چون بطعام بنشستند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و جون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او تا ظن صلاحیت در حق او زیادت کنند.

ترسم نرسی به کمیه ای اعرابی

کین ره که تو میروی به ترکستانست

چون به مقام خویش آمد سفره خواست تا تناولی کند پسری صاحب فراست داشت گفت ای پدر باری بمجلس سلطان در طعام نخوردی گفت در نظر ایشان چیزی نخوردم که بکار آید گفت نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که بکار آید

ای هنرها گرفته بر کف دست عیبها برگرفته زیر بغل

تا چه خواهی خریدن ای مغرور روز درماندگی بسیم دغل

گلستان سعدی

مسابقه پیامکی

آیا می‌دانید معادل محمدآبادی واژه‌ی « میل نداشتن، رغبت نداشتن « چیست؟

پاسخ خود را به شماره نشریه (۸۹۳۵ ۹۷۶ ۰۹۳۶) ارسال و در صورت دسترسی نداشتن به تلفن همراه کتباً به دفتر نشریه (جنب کتابخانه) تحویل نمایید.

جواب مسابقه شماره قبل: **سَمْتُ – اوغور.**

تعداد ۵۰ نفر در مسابقه شرکت کردند که از این تعداد ۲۲ نفر به سوال درست جواب داده و نفرات ذیل به قید قرعه برنده شدند.

جواد ناصری، محمد سعادت، حکیمه حمزه ای



مسئله اصلی شکل سوغاتی خریدن است

ادامه از صفحه ۱۷

منوع است.

== **خیلی از مردم سوغاتی خریدن را نوعی رعایت ادب نسبت به اقوامشان می دانند و چه در باطن راضی به این کار باشند یا نباشند، حاضرند پول نسبتاً زیادی را در جهت حفظ وجهه ی خود در فامیل پرداخت کنند.در اینجا راه حل چیست ؟ می توان تقصیر را به گردن جامعه انداخت ؟**

سوغات اکثر مسلمانان دیگر کشورها در حد ، آب زمزم-خرما-سجاده و تسبیح است که می توانند به افراد زیادی سوغاتی بدهند آنهم سوغات معنوی که دریافت کننده هروقت با تسبیح ذکر می گوید، یاد

خانه خدا خواهد افتاد ، اما سوغاتی ایرانیان بجای مهر و تسبیح و ... به تی شرت و شلوار لی و بلوز دامن زنانه و کاپشن و وسایل آرایشی و ... ختم می شود! آیا سوغات مشهد جز نخود و عطری است که از قبل بوده و یا کربلا و مهر و تسبیح آن.

پیشنهاد دارم به جای بازگردی و چانه زنی و ... به امورات معنوی فکر کنیم، نمازهای قضای خود را بخوانیم، برای دوستان و ملتمسین دعا و شهدانماز و قرآن بخوانیم که این از هر کاری قشنگتر است و نکته پایانی پولهای دریافتی و هدیه (سراهی) را به نسبت صاحبان آن به حرمین امامان معصوم (ع) بریزیم که اجر دینیو و اخروی در آن است.

ورمی کمپوست

| محمدمهدی قربانی *

بهترین نوع خاکدانه ها یعنی خاکدانه های

ورمی کمپوست، عبارت است از

کود آلی بیولوژیک که درائر عبور مداوم و

آرام مواد آلی در حال پوسیدگی از دستگاه

گوارش گونه هایی از کرم های خاکی و

دفع این مواد از بدن کرم، حاصل می شود.

این مواد

هنگام

عبور از

بدن کرم

آغشته

به مخاط

دستگاه

گوارش

(موکوس)،

ویتامین

ها و آنزیم

ها شده که

در نهایت به عنوان یک کود آلی غنی

شده و بسیار مفید برای ساختمان و بهبود

عناصر غذایی خاک، تولید و مورد مصرف

واقع می گردد. بنابراین، ورمی کمپوست

فضولات کرم به همراه درصدی از مواد

آلی و غذایی بستر و لاشه کرم هاست.

به طور خلاصه می توان ویژگی های

ورمی کمپوست را شامل موارد زیر دانست.

سبک و فاقد هرگونه بو عاری از

علفهای هرز حاوی میکروارگانیسمهای

هوازی مفید مانند ازتوباکتریها

بالا بودن میزان عناصر اصلی غذایی در

مقایسه با سایر کودهای آلی دارا بودن

عناصر میکرو مانند آهن ، روی ، مس و

منگنز دارا بودن مواد محرکه رشد گیاهی

نظیر ویتامینها به ویژه ویتامین ب ۱۲

قابلیت بالای نگهداری آب و مواد غذایی

فرآوری آسان و سریع تر از کمپوست آلی

عاری از باکتریهای غیر هوازی ، قارچها و

میکروارگانیسم های پاتوژن اصلاح کننده

خصوصیات فیزیکوشیمیایی و بیولوژیکی

خاک وجود عناصر ازت، فسفر ، پتاسیم ،

کلسیم، آهن ، روی ، مس و منگنز استفاده

از ورمی کمپوست در تهیه چای کمپوست

تاثیر ورمی کمپوست روی خاک کرم های

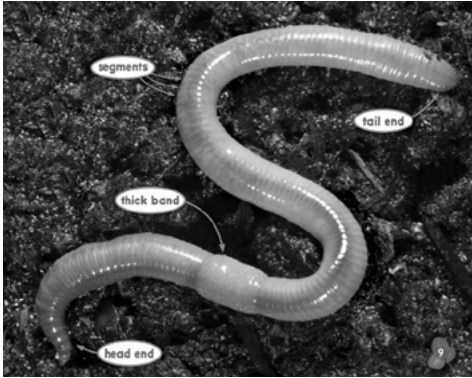
خاکی در هنگام مصرف ماده آلی مقداری

زیادی خاک نیز می خورند. مواد حاصل از

تغذیه کرم خاکی بعد از دفع خاکدانه های

مستحکمی را تشکیل می دهد که یکی

از پایدارترین انواع خاکدانه ها و همچنین



فرایند تولید ورمی کمپوست

برای تولید ورمی کمپوست لازم است

مواد آلی قابل تجزیه در اختیار کرم های

خاکی قرار

داده شود و

سپس شرایط

مناسب

برای تکثیر

و نگهداری

کرم های

خاکی فراهم

آورد و از

آنها در برابر

دشمنان

طبیعی

محافظت نمود. در مرحله آماده سازی

بستر مورد نیاز کرم های خاکی لازم

است ابتدا ذرات آلی به قطعات کوچکتر

تقسیم و سپس آماده سازی اولیه بر

روی آنها انجام شود. همان طوری که

از شکل زیر معلوم است توده ماده آلی

در مجاورت رطوبت ، اکسیژن و دمای

مناسب و در حضور میکرو ارگانیسم های

تجزیه کننده ماده اولیه برای کرم های

خاکی را فراهم نموده و در ادامه در اثر

عبور مواد از دستگاه گوارش کرم خاکی

به نام ورمی کمپوست تبدیل می شوند.

در ادامه نیز به بررسی هریک

از اجزای تشکیل

دهنده در تولید

ورمی کمپوست

پرداخته می

شود.

۱- مواد آلی

مورد نیاز

برای تولید

ورمی کمپوست

مواد مختلفی مانند

پهن حیوانات ، پسماند

های کشاورزی ، ضایعات کاغذ و پوشاک

، ضایعات جنگلی ، خرده برگ های سطح

شهر، ضایعات شهری ، ضایعات صنعتی

و لجن حاصل از بیواگزو بستر قارچ ها

خوراکی رامی توان برای تولید ورمی

کمپوست استفاده نمود.

کرم های خاکی

داروین (۱۸۳۷) برای نخستین بار اثر

برخی از کرم های خاکی را در حاصلخیزی

خاک اعلام کرد. از نظر پیشینه تاریخی،

کرم های خاکی در حدود ۶۰۰ میلیون

سال پیش به وجود آمده و از آن زمان

تا حال شاهد تکامل گونه های مختلف

گیاهی و جانوری بوده اند. شکل ظاهری

این موجودات در طی این مدت تغییر

چندانی پیدا نکرده و هم اکنون نیز بین

گونه های مختلف آنها از این نظر تفاوت

قابل توجهی به چشم نمی خورد.کرم های

جانورانی استوانه ای و لوله ای شکل

هستند. بدن آنها از تعداد زیادی حلقه

تشکیل شده است.تعداد حلقه ها و طول

کرم های خاکی در گونه های مختلف

متفاوت است. تعداد

این حلقه ها در

دامنه ای از ۸۰ تا

۱۹۰ تغییر می کند.

آخرین حلقه ، حلقه

مقعدی نام دارد و در

حلقه اول دهان قرار

دارد که عمل گرفتن

و فرو بردن غذا را بر

عهده دارد. اندازه کرم خاکی از ۲۳ تا ۲۱۰

میلی متر متغیر است.

حلقه خاصی بر روی حلقه های

کرم خاکی وجود دارد که به آن

کلیتوم(Clitellum) یا حلقه جنسی

می گویند که در قسمت جلویی

بدن قرار دارد .این اندام بر

خلاف دیگر حلقه های

بدن که حاوی موهای

سطحی است مویی

ندارد. کار این اندام

در مرحله تولید مثل

است.

کرم های خاکی جزو

جانوران همرافروdit می

باشند، یعنی هر کرم اندام های نر

و ماده را توانان دارد، ولی نهایتا کرم با

اتصال به جفت دیگر از طریق دو کلیتوم

و تبادل اسپرم عمل جفت گیری را انجام

می دهد. سپس هر کرم یک کیسه تخم

ریزی در کلیتوم خود تشکیل می دهد.



کیسه های تخم ریزی یا همان کوکون ها

به رنگ زرد کهربایی بوده و در داخل آن

حدود ۷-۳ نوزاد لارو وجود دارد. بنابراین

افزایش تعداد کرم ها در هر نسل به

صورت تصاعد نسبتا هندسی، خواهد بود.

موارد استفاده ورمی کمپوست

بی گمان بایستی استفاده از کودهای

شیمیایی زیان آور در کشاورزی را متوقف

کرد. کودهای شیمیایی عامل اصلی

آلودگی آب های زیر زمینی و هوا است. که

سرانجام بر سلامتی انسان اثر می گذارند.

اینک ظرفیت جایگزینی کودهای شیمیایی

با کودهای زیستی مانند ورمی کمپوست

وجود دارد. ورمی کمپوست فرآورده کاملاً

طبیعی بوده و محصولی مصنوعی نیست.

بنابراین مسئله ای را در مورد آلودگی

آب و هوا در پی نخواهد داشت. ورمی

کمپوست شامل

همه ترکیبات لازم

برای رشد سالم

گیاهان است. از

طریق کود آلی

و کود گیاهی ،

فرآورده های مزارع

و باغ ها ، مواد

مغذی ضروری

بیشتری دریافت کرده و این امرمی تواند

عملکرد محصول را بین ۲۰ تا ۶۰ در صد

افزایش دهد. ورمی کمپوست ارزان تر از

کودهای شیمیایی است و برای کشاورزان

نیز با صرفه و سود آور است.

طریقه مصرف ورمی کمپوست

معمولاً ورمی کمپوست را در باغبانی با

نسبت های برابر با کود دامی مخلوط و

برای هر درخت بین ۳ تا ۵ کیلو گرم در

حلقه ای به عمق ۱۵ تا ۳۰ و عرض ۶۰ تا

۱۰۰ سانتی متر در اطراف پایه درخت قرار

می دهند. سپس این قسمت با مخلوطی

از ورمی کمپوست و کود دامی پر می شود.

بر روی این مخلوط نیز یک لایه خاک

می ریزند.

در زراعت نیز می توان ورمی کمپوست را

به میزان ۵ تا ۱۰ تن درهکتار در هنگام

کاشت به همراه نیمی از مقدار توصیه

کودی منطقه برای زراعت گندم استفاده

نمود.

* کارشناس کشاورزی

تیلر چهار چرخ چند منظوره کشاورزی طراحی و ساخته شد



| محمدرضا خورشیدکلایی

مبتکر مازندرانی موفق به طراحی و ساخت مینی تراکتور

(تیلر چهار چرخ) چند منظوره جهت عملیات کاشت، داشت و

برداشت محصولات زراعی در زمین های دیمی و آبی شد.ایمان

مرزبان، طراح این تیلر چهار چرخ با بیان این که مینی تراکتور

از جمله ماشین های کشاورزی است که جهت ارتقا و توسعه

مکانیزاسیون کشاورزی به عنوان نیروی محرک اصلی محسوب

می شود، گفت: این وسیله با اتصال ادوات سوار و نیمه سوار و

کشتی به جهت کاربری های مختلف کشاورزی در زمین های

دیمی و آبی، به خصوص در باغات و شالیزارها در آماده سازی

زمین، کاشت، داشت ، برداشت و ... قابل استفاده است.

وی ادامه داد: سهولت کار و توسعه در پیشبرد کارهای کشاورزی

با سرعت بالا و کیفیت کار در زمان کوتاه عامل مهمی در عرصه

کار با این ماشین است که با حداقل رساندن هزینه تمام شده

محصولات کشاورزی در مقایسه با به کارگیری سیستم های

موجود با سرمایه گذاری کم (به دلیل قیمت پایین این ماشین

و در دسترس بودن و ارزانی هزینه های خدمات پس از فروش)

نسبت به سایر ماشین آلات مشابه برتری دارد. مرزبان تصریح

کرد: تیلر با قدرت های مختلف (از ۷ تا ۲۸ اسب بخار) تنوع

خاصی در تولید عرصه های توسعه مکانیزاسیون کشاورزی به

دلیل کاربری های متفاوت آن ایجاد می کند.

در ضمن، وزن پایین تیلر، نظر متخصصان امر زراعت در

زمین های شالیزاری را که معتقدند تراکتورهای سنگین وزن،

عامل کمپک کردن خاک اراضی می شود تامین کرده است.

وی افزود: در عین حال با توجه به راحتی کار با این ماشین

در زمین های شالیزاری دشواری های عملیات کاشت، داشت و

برداشت با استفاده از تیلر به حداقل رسیده و مطمئناً با تکیه

بر روش منطقی و اصولی انتخاب ادوات و تطبیق روش کار

و مدیریت، حداکثر سود از سرمایه گذاری، عاید کاربران آن

می شود. این طرح برگزیده جشنواره جوان خوارزمی بوده و از

سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران تأییدیه دریافت کرده

است.

اصحاتی گھوراکى ها

زیتون

خداوند متعال در قرآن مجید از درخت زیتون به عنوان

یکی از نعمت های ارزنده خود برای بشر یاد می کند

و حتی به آن قسم می خورد. کاشت درخت زیتون

قدمت بسیار داشته و پیدایش و کاشت آن به قبل از

تاریخ می رسد.

در قرآن کریم ۷ بار از نام زیتون یاد شده است.

محصولات درخت زیتون

جنس زیتون (olea) از خانواده (oleaceae)

دارای ۳۵-۴۰ گونه مختلف است که

معروفترین آنها زیتون معمولی

خوراکی (olea Europa)

است.

میوه درخت زیتون به

دو صورت سبز و

سیاه است.

از میوه سبز و سیاه

آن برای تولید کنسرو

زیتون واز میوه ی آن برای

روغن گیری به روش سنتی و

صنعتی استفاده می شود.

از چوب و تنه آن به دلیل نقش زیاد و

استحکام در صنایع چوب مورد استفاده قرار می

گیرد

از جوشاندن برگ این درخت پس از صاف کردن، عصاره

ای تلخ بدست می آید که باعث کاهش فشار خون و قند

خون می شود و از آن در درمان افراد مبتلا به دیابت و

فشار خون استفاده می شود.

از کنجاله یا تفاله پرس شده آن به عنوان کود و سوخت

استفاده می شود.

ارزش غذایی زیتون:

زیتون سرشار از مواد چربی و ویتامین و املاح معدنی

و بسیار مقوی است. این میوه اشتها آور بوده و سبب

تندرستی و طول عمر می شود؛ خون را صاف و لته را

تقویت می کند؛ کبد را قوی و خاصیت ضد سم دارد و

بالاخره روغن این میوه یکی از مفیدترین روغن هاست.

روغن زیتون سرشار از اسیدهای چرب امگا ۶ و امگا۹

است.

نَمَکُو

● راوی: حاجیه کلثوم قجری / ● تهیه و تنظیم: محمد حمزه محمدآبادی / ● بازنویسی و برگردان: محمدعباسی

اون قدیما یک زن و شو بودان که هفتا دِختر داشتان. یک خانه هم داشتن که هشتا در داشت، هر شو یک دانه از دخترها نوبت نوبتی مرفت و درها رِ پیش مکرد و چفتشان از پشت منداخت و سَرساب(سرحساب) بودان که یک وخت درها کشو نشده نمانه. مارشان مِگفت اگه خدای نکرده یک شو یکی از درها باز بمانه دِب (دیب = دیو) میاد مِنه خانه و دِختر رِ

بلند مِکنه مِبره (موره). یکی از این دِخترها اِسَمَش نِمکو بود یک شو که نوبتی نِمکو بود، یاد کرد چفت یکی از درها رِ بندازه، همون سَر شو که داشتن مِنه خانه شان چرخ مرسیدان دیدان لَت یکی از درها واز شد و یک دِب نتراشیده نخراشیده، بی اُرس و پُرس کَلِه کرد آمد مِنه خانه. دِب گفت: بریسین تا برسین ماه دودان/ بیارید یک چایی بارا مهمان. مار و خوارا

نِمکو گفتان: هَفت در رِ بستی نِمکو یک در بستی نِمکو کور بشو برو باراش چایی بیار. نِمکو گریه کُنان رَفت و بَش دِب چایی آورد. دِب دِ مرتبه گفت: بریسین تا برسین ماه دودان/ بیارید یک شامی بارا مهمان. خوارا نِمکو گفتان: هفت در رِ بستی نِمکو یک در بستی نِمکو کور بشو برو شامش رِ بده کَلِه سَری بخوره، نِمکو رفت شام دِب رِ هم داد. بعدش



طرح: ابوالفضل کلاته میمری

ضرب المثل

تپه نریده باقی نداشته

کنایه از شخصی که هیچ نقطه روشنی برای خودش باقی نداشته یا به قولی همه پل های پشت سرش را خراب کرده است.
در همین زمینه حکایتی است که میگه: روزی کلاغی رفت پیش یک پرنده و گفت هرچی تخم میکنم شوت

میشه(توخالی) راه درمانش چیه پرنده گفت برو روی درختی که نریده باشی بشین و دعاکن.کلاغ رفت وبعدازچندوقت برگشت وگفت درختی بالین مشخصات پیدانکردم.

راه افتاد اوغور خانش. دِ مرتبه نِمکو گفت: دَسِتباب دارم دِب دوشنبیره رِ تَه گذاشت و نِمکو از مِنش درآمد. دِب گفت زیاد مطل نکن. چه خبیره آنده دستباب مری، نِمکو مِنه تاریکی پشت و پهلوش رِ دَسِت پاسو کرد و چَند تا شِتر تَلو و شِغال دِندان رِ از ریخه کند و بخی زد مِنه دوشنبیره و خدش باز گرخت. دِب همینکه دوشنبیره رِ کول گرفت دید دوشنبیره سیخ (سیخ) مِزنه و تمام تَن و جانِش داره سولاخ سولاخ مِشه. گفت نِمکو آنده سیخ نِزن، باز دید صدایی نیماَد یَقِن مِگی از نِمکو خبیری نیست. برگردید و نِمکو رِ پیدا کرد و انداخت مِنه دوشنبیره و تا نِمکو رفت یک بانه دَگِه بیاره رسید خانش.

دِب نِمکو رِ گفت : من مِخوام برم شکار. اگه آمِدم دیدم حوض شِنگ ولِغاز بَسته تِ رِ عَین اون دِختر ا به اون چنگه اوزان مِکنم. نِمکو خیلی ترسیده بود. دِب که رفت نِمکو هم رفت لب حوض، دست و روش یک او بَزنه. دید که حوض خِیلی وخت شِنگ

ولِغاز بسته حالا مِگِه مِشه این دِب زبان نافهم رِ حالی کِنی که حوض قدیمی شِنگ ولِغاز بسته و مال الان نیست، دِنبالِ بانه مِگرده، بایست فکر کِئم و خِدم و این دِختر ا رِ نجات بدم. نِمکو رفت مِنه خِرت و پرت ها و جاجیگا دِب رِ گردید و یک موش دِ موش ت نمک و چند تا سوزن و تَمنه و یک بسته هم کَبَریک با یک پَر مِرغ پیدا کرد و گفت و همینا بَسِه. نِمکو اول رفت دِختر ا رِ باز کرد آورد پایین و گفت تا دِب نیامده زوت بَگروzin، هر کدامتان از یک اوغور بَگروzin تا دِب نَنامه همه ما رِ بگیره.

همونجور که نِمکو هِدار پِ اوغور خانشان مَگُرُخت تا دِنبالِش رِ نیگا کرد دید دِب پاپِرنه پا داره پِشت کَلِش مُدوئه و هیچ چی نمانده که بگیرش. بار ا همین یک کَبَریک رِ روشن کرد و انداخت پیش پا دِب، یک بَلِ راست شد و پَر و پا دِب سوخت و تمام موها پاش جَزَبِل گرفت و پاش سُلوپ سُلوپ شد، ولی همونجور دِنبال نِمکو

مدوئید، نِمکو سوزن ها و تَمنه ها رِ کَفَتِل کرد زَر دست و پاچا دِب، و اونا رفتان مِنه پَر و پاش ولی هنوز مدوئید، ایندِفنه نمک رِ رخت جلو پاچاش و دِب هم که تمام کَفِ پاش پله زده بود و زَخم و جرا بود حسابی پاش سوزه گرفت ولی باز هم داشت به نِمکو مرسید نِمکو گفت آه چَنده سَگ جانه خِدا به دادم برس و پَر مِرغ رِ انداخت و به خواست خدا دَتّا بالِ قَشَنگ دَر کرد و مِثلِ پاپِلو پرید رفت خانه شان و دید پَیر مارش و خاراش از دردِ غم غِصه اون آنده گریه کردان که کور شِدان و مارش هِج چی نمانده دِق کِنه، نِمکو پرهاش رِ به چشم مار پَیرش و خواراش کشید و چشم اونا سو آمد و دِب هم که پاهاش سوخته بود و مِنه زخم هاش خاک و خول رفته بود زخم ها چِلک کرد و خِیز کرد آمد بالا و همون بانه شد و کُشِتش و همه از دستش راحت شدان.

* استفاده از اوسانه با ذکر منبع بلامانع است.

اصطلاحات مَدِبادی (محمدآبادی)

۱. آکادِ = مثل کار...
۲. اَمُختَه = عادت کردن
۳. کِلَنَدَر = دروازه
۴. تَمرِه = بدون خورشت (به تنهایی)
۵. اَشَنِفَه = عطسه
۶. کِلِش = سرفه

خوانندگان محترم می توانند
داستانها و اوسانه های خود
را برای ما بفرستند تا به نام
خودشان در نشریه به چاپ برسد.

قرار بود یک سایت اجتماعی عادی باشد که دوستان قدیمی و افراد در آن جمع شوند، اما آخر عاقبت فکر جناب زوکربرگ خیلی جالب نشد، و فیس بوک در حال حاضر با حدود ۹۰۰ میلیون نفر جمعیت، سومین کشور پرجمعیت جهان است که از هر نژاد و زبانی آدم در آن هست که به ۴۰ زبان قابل دسترس بوده و ۷۰ درصد از کاربران آن افراد غیر آمریکایی هستند.

توی فیس بوک کارای خوبی میشه انجام داد ، مثلا : فایل تصویری یا صوتی یا تبلیغات خودتان را به اشتراک بگذارید تا دوستان خودتان و دوستان دوستان شما آنها را ببینند، بازی آنلاین انجام دهید ،

سیستم عامل قاصدک

قاصدک سیستم عامل آزاد مبتنی بر سیستم عامل گنو / لینوکس است که برای مصارف دولتی و شخصی و خانگی مورد استفاده قرار میگیرد. این سیستم عامل با داشتن مجموعه کاملی از نرم افزارها توانایی تامین نیاز طیف وسیعی از کاربران سیستم های رایانه ای را دارد . قاصدک از سرعت و کیفیت مناسبی برخوردار بوده، مدیریت آن آسان و در عین سادگی به سرعت با کاربران ارتباط برقرار کرده و ابزار های مورد نیاز آنان را در کمترین زمان ممکن در اختیار قرار میدهد. از قابلیت‌های این سیستم عامل ایرانی میتوان به : سبک و قابل حمل بودن ، استفاده از سیستم عامل بدون نیاز به نصب مستقیم روی دیسک سخت ، تشخیص کلیه درایور های سخت افزاری ، اتصال به شبکه و پشتیبانی بدون شبکه های دیگر سیستم عامل ها از جمله ویندوز ، تامین نیاز های امنیتی سازمان و نصب آسان و سریع نرم افزار از روی شبکه از مهمترین قابلیت های این سیستم عامل می باشد . کاربران می توانند یک سیستم عامل شخصی سازی شده متناسب با ابزارها و نرم افزارهای مورد نیاز خود را داشته باشند.

کارهای خیر برای آن دنیا انجام دهید ، فیس بوک علاوه به صفحه ی شخصی ای که به شما داده ، این امکان رو به شما داده که برای خواننده ، بازیگر و یا چیزهای دیگری که به آن علاقه دارید صفحه بسازید و عضو گیری کنید و افراد دیگر به صفحه شما بیایند و فعالیت و تبادل نظر داشته باشید و همچنین در نظر سنجی دوستانتان یا گروه هایی که در آن هستید شرکت کرده و رای دهید ، یا خودتان نظر سنجی ایجاد کنید.

اما در پشت چهره آبی رنگ و مظلوم FB یک چهره دیگری هم وجود دارد که جرج بوش در بین حرفهایی که در مورد

Facebook or bad friend

دوست خوب، یا دوست بد

| محسن حمزه ای



روای اصلی اش یعنی تسلط به دنیا می‌زد، حرف جالبی (به شما گوگل، هرگاه NSA اراده کرد ، تک تک

فیس بوک facebook

متنوعی روبرو شده ! ترافیک فیس بوک در کانادا، نروژ، روسیه، انگلستان و آمریکا ماه گذشته کم شده. در آمریکا فیس بوک تقریبا شش میلیون ، در کانادا یک و نیم میلیون و در نروژ، روسیه و انگلستان تقریبا ۱۰۰ هزار نفر کاربر را در ماه می از دست دادو همچنین ارزش سهام فیسبوک به ۱۹ دلار کاهش یافت، که اولین بار این مقدار ۳۸ دلار بوده ، کاهش ارزش سهام فیسبوک پس از انتشار گزارش مالی این شرکت سرعت گرفته است و سرمایه‌گذاران نگران آینده فیس بوک هستند.

فیس بوک نرم افزاری برای اسکن چت های کاربران خود گذاشته است که این نرم افزار چت ها را برای یافتن هر لغت

🔗 از ناور بیرسید

قصد داریم از این شماره به بعد در مجله ناور به سوال های شما خوانندگان گرامی در زمینه ی کامپیوتر، موبایل و اینترنت پاسخ دهیم. همچنین میخوایم طبق درخواست شما، نرم افزار و بازی و با توجه به گجت* و سلیقه ی شما و همچنین معرفی گوشتی و لب تاپ و با مشخصات و رنج قیمت مورد نظرتان، پردازیم.

می توانید سوال ها و درخواست های خود را به صورت ایمیل یا مسیج به نشریه بفرستید و پاسخ هایتان را در مدت زمان کوتاهی در وبلاگ نشریه ببینید.

* وسیله دیجیتال

که معنای

گوگل دارم و دارید به دست NSA میرسه. «فیس بوک نفرت انگیز ترین ابزار جاسوسی است، این سایت برای کاخ سفید گنجینه اطلاعات بزرگ است ، شاید اعضای فیس بوک متوجه کار خود نباشند، اما خودشان هستند که اطلاعات لازم برای آمریکا را داوطلبانه در اختیارش قرار میدهند» شاید حرفهای جولیان آسانژ (موسس ویکی لیکس) چهره اصلی FB را نمایان نکند، اما

فیس بوک حدود ۹۰۰ میلیون نفر عضو دارد که توسط این اعضا هرامه ۳ میلیارد عکس آپلود میشود، ۳٫۵ میلیون رویداد تازه منتشر میشود و ۲۵ کامنت برای هر کاربر فرستاده میشود !

از سوی دیگر فیس بوک با کاهش های

کودک و نوجوان

آیا می دانید؟

آیا می دانید موش ها چطور نقشه کشی می کنند؟

حرکت سریع سیبل که در موش ها دیده می شود به آن ها قابلیت کسب اطلاعاتی دقیق از محیط اطراف و کشیدن یک (نقشه ی لمسی) می دهد.

_ آیا می دانید ببر سفید گونه ای از ببر بنگال است که به دلیل یک جهش ژنتیکی به این رنگ در آمده است .این جهش ژنتیکی که بطور طبیعی در هر ۱۵هزار قلاده ببریک بار اتفاق می افتد و باعث تولد ببر سفید می شود که علاوه بر رنگ متفاوت جثه بزرگتری دارد.

_ آیا زرافه ها سر گیجه می گیرند؟

خیر-زیرا زرافه ها قلبی به سنگینی ۱۱کیلوگرم دارند که می تواند فشار خونشان را به ۲برابر فشارخون انسان برساند زمانی که زرافه گردنش را بلند می کند رگ های خونی موجود در گردنش در صورت نیاز خون رااز زبان و گوش به مغز می رسانند رگ زیر گلو

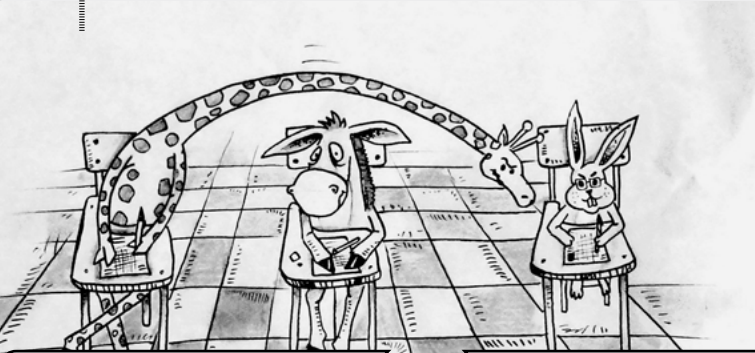
زرافه نیز منقبض شده و از سرازیر شدن سریع خون به پایین جلو گیر ی می کند.



مدرسه حیوانات

زرافه انداختند.

آن‌شب عذاب‌و‌جدان، گلو‌ی زرافه را سفت و سخت گرفت و نگذاشت تا صبح بخوابد. شاگرداول کلاس تا خود صبح گریه می‌کرد و هی از خودش می‌پرسید: «تقصیر من چه که گردنم درازه و خب، بچه‌ها هم خودشون هوای ورقه‌هاشون رو نداشتن؟!»



کودکی نواغ دنیا

محصلین روستا بخوانن وامیدوارشوندهرچندمیدونم وضع خراب ترازاین حرفاست شایدبچه های روستای ماهم درآینده یکی ازنواغ دنیا شونداحترامشان بگذاریدآخه نواغی بودند که درکودکی.....

۱- آلبرت انیشتن: در کودکی دچار بیماری دیسلسیک بود. یعنی معنی و مفهوم کلمات و عبارات را درست تشخیص نمی داد. معلم آلبرت انیشتن او را عقب مانده ذهنی، غیر اجتماعی و همیشه غرق در رویاهای احمقانه توصیف می کرد، ضمنا وی دوبار در امتحانات کنکور دانشگاه پلی تکنیک زوریخ مردود شد!!

۲-توماس ادیسون: که معلمانش از آموزش او در مدرسه عاجز مانده بودند در تمام طول تحصیل کم ترین نمره ها را از درس فیزیک می گرفت ولی همین شخص بعدها موفق شد بیش از هزار وحد و پنجاه اختراع به جامعه بشریت عرضه کند که بیشتر آنها در زمینه علم فیزیک بوده است!!

۳- پتهون: معلم او می گفت در طول زندگیش ”اوچیزی یاد نخواهد گرفت“

۴- پیکاسو: یکی از معروفترین نقاشان جهان بدون کمک و حضور پدرش که در زمان امتحانات کنارش می نشست نمی توانست در درس هایش نمره قبولی کسب کند!!

۵- هیلتون: که مالک بیش از ۳۰۰ هتل در سرتاسر دنیاست در دوران کودکی برای گذران زندگی مجبور بود کف سالنها و هتل ها را طی بکشد!!

۶- جیمز وات: که مخترع ماشین بخار بود فردی کودن توصیفش می کردند!!

۷- امیل زولا: نویسنده بزرگ فرانسوی دانش آموزی تنبل بود که در مدرسه از درس ادبیات معمولا نمره صفر می گرفت!

۸- ناپلئون بنا پارت: مدرسه خود را با رتبه ۴۲ به عنوان یک دانش آموز غیر ممتاز ترک کرد!!

۹- لویی پاستور: در مدرسه یک محصل متوسط بود و در دوره لیسانس در درس شیمی بین ۲۲ نفر رتبه ۲۲ را کسب کرد!



بدون شرح



بازدید استاندار و هیأت همراه از محمدآباد در هفته دولت



اجرای دختران خردسال در مراسم شبی با قرآن



عکسی که مشاهده می کنید مربوط به بچه های کلاس اول ابتدایی مدرسه میثم تمار سال تحصیلی ۹۱-۹۲ هستش ،ازشون پرسیدم قصداً درآینده چه کاره بشن یکسری گفتن مهندس،یکسری گفتن دکتر،خلبان ،معلم.....خلاصه سرتون دردنبارم انشائه ۲۰سال بعد همین موقع بابا این دکتر ،مهندسای کوچولو که اون موقع بزرگ میشن مصاحبه میکنیم ببینیم چندانوشن به آرزوهاشون رسیدن!!!!



جدول
طراح: حسین ناصری

افقی

۱. تهمت ۲.

ثر زیاد ماندنی جک لندن

نویسنده آمریکایی ۱۰. زادگاه ابراهیم

(ع) ۱۱. گشایش ۱۲. تنه درخت ۱۳. کشوری در

شرق اروپا با مرکز تالین ۱۶. بلندترین آبشار ایالات متحده

آمریکا ۱۹. حقه ۲۰. فلز سخت ۲۱. تظاهر به نیکی ۲۲. واحد شمارش

۲۴. از ادات استفهام ۲۵. نوشتابه قدیمی بی کله ۲۶. همنشین گل ۲۷. اسم ۳۰.

مرد زن مرده ۳۳. مادر وطن ۳۴. سوال و جواب ۳۶. به تازگی کودکی را پشت سر گذاشته

۳۸. سازمان جاسوسی آمریکا ۳۹. بت بی سر و پا ۴۱. واحد سنجش توان الکتریکی

۴۲. ماشینی برای حمل و مخلوط کردن بتن ۴۵. پرده دری

« تعبیر خواب »

مار: محمد بن سیرین می گوید: دین مار به خواب دلیل دشمنی پنهان بوده اگر مار را در خانه ببینید دلیل دشمنی خانگی بود و اگر در صحرا ببینید دشمنی بیگانه است. دشت: اگر دختری خواب ببیند از دشتی سرسبز می گذرد نشانه آن است که در زندگی موقعیتی مناسب به چنگ می آورد. اما اگر خواب ببیند از دشتی خشک و لم یزرع می گذرد نشانه آن است که با تهیایی و ناراحتی زندگی خواهد کرد.

اغلب شب ها در خواب با نکاتی کلیدی در خوابمان مواجه می شویم که سوالات زیادی را برای ما مطرح می کند در این مطلب به بعضی از سوژه های خوابمان و تفاسیری که در مورد دیدن آنها در خواب مطرح شده پرداخته ایم.

آفتاب: آفتاب در خواب حاکم یا خلیفه ای بزرگوار است. اگر در خواب ببیند که آفتاب را از آسمان فرا گرفت تعبیر آن است که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب حاکم شود.

آهن:دیدن آهن در خواب تعبیرش برده است اما اگر برده
دا داشتن معمول نباشد بقدر آن آهن کسی چیزی از متاع
دنیا به او بپسند.

نیشکر: در خواب ببیند نیشکر فروخت یا به کسی داد
تعبیرش آن است که از گفت و گو خلاص می شود.
زیتون: زیتون تلخ و سیاه رنگ در خواب غم و اندوه
است. اگر در خواب ببیند زیتون می خورد یعنی غم و
اندوه می خورد.

جغد: جغد در خواب مردیست نابکار و حرام. اگر در خواب ببینید کسی جغد می گیرد تعبیر آن است که او را با چنین مردی خصوصت افتد. بطور کلی دیدن جغد در خواب مبارک نیست.

مادر شوهر: اگر مادر شوهر خود را در خواب ببینید علامت آن است که بعد از ناسازگاریها و اختلافات بسیار صلح و صفا میان افراد حکمفرما خواهد شد.



راز خرب المثل ها

می گویند پته اش روی آب افتاد ، یعنی چی شد؟

یعنی این که همه فهمیدند چه بود و چه شد. خوب یا بد معلوم نیست؛ ولی این مثل بیشتر در وقتی به کار می رود که یک نفر آبروی کار و زندگی اش از میان برود، البته در این میان خود پته ها خیلی گناهکار نیستند. شاید آنها خبر ندارند که چه طور می شود که آبروی کسی با افتادن آن ها روی آب می رود.

پته ها در حقیقت کاغذی بوده اند که روی آن ها حواله ی حویل دادن یک جنس نوشته می شد یا پروانه ی ورود جنسی بوده اند که به جایی وارد می شده. حالا در خیال خودتان ببینید یک نفر پته ای دستش گرفته و می رود. ناگهان در حال رفتن از دستش می افتد و روی آب شناور می ماند. خب آن وقت چه می شود؟ بله ... معلوم می شود که روی پته چه نوشته بوده و چه نوشته است. از آن روزگار اگر کسی ناگهان رازش و کار و بارش بر همه آشکار شود، می گویند «پته اش روی آب افتاد».

نمایی از آب بندان روستای محمدآباد



[مهدیس سالاری]
دانش آموز ممتاز
کلاس دوم ابتدایی

نشریه ناور آمادگی دارد پیام ها و
تبلیغات خوانندگان عزیز را با قیمت
مناسب در نشریه چاپ نماید.



گل سرای آویشن

دسته گل، گل آرایی، سبد حنا، ماشین عروسی

گرگانچید اول، پایین تر از مسجد قائم
تلفن: ۲۲۴۳۸۴۱، ۰۹۱۱ ۳۷۵ ۷۸۱۵

جعفر آبادی

با تخفیف
ویژه برای
اهالی
روستای
محمدآباد